

واژه‌نامه بزرگ تبری و لسان و سرلیو

سرپرستان:
جهانگیر نصری اشرفی
حسین صمدی

گروه پدیدآورندگان:
سید کاظم مدّاح
کریم الله قائمی
علی اصغر یوسفی نیا
محمود داوودی درزی
محمد حسن شکوری
عسکری آقاجانیان میری
جهانگیر نصری اشرفی
حسین صمدی
ابوالحسن واعظی
ناصر یداللهی
جمشید قائمی
فرهاد صابر
ناعمه پازکی

جلد اول
آ - الف - ب

به نام خدا

واژه‌نامهٔ بزرگ تبری
جلد اول (آ-الف-ب)

(کارگروه پدیدآورندگان)

تهران

۱۳۷۷

ISBN 964-91131-5-0

شابک ۹۶۴-۹۱۱۳۱-۵-۰

www.tabarestan.info
تبرستان

واژه‌نامه بزرگ تبری - جلد اول (آ- الف - ب)
(کارگروه پدیدآورندگان)

ویراستار: کریم‌الله قائمی

چاپ نخست این کتاب در بهار ۱۳۷۷

با همکاری حروفچینی اندیشه پرداز و خانه سبز

لیتوگرافی فام، چاپ ۱۲۸ و صحافی پریسا

با تیراژ ۳۵۰۰ جلد، به پایان رسید.

قیمت ۳۵۰۰ تومان

به یاد:

استاد علی اکبر دهخدا

و

دکتر محمد معین

www.tabaristan.info

نیرستان

سپاسگزاری

گروه پدید آورندگان این واژه‌نامه از استاد محترم، دکتر منوچهر ستوده به‌خاطر در اختیار نهادن شمار قابل توجه‌ای از فیش‌های گردآوری شده واژگان تبری، از سرکار خانم فاطمه قائمیان به‌خاطر انجام کار توان‌فرسای حروف چینی این اثر و نزدیک به دو سال تلاش و دقت مثال‌زدنی، از مدیر مؤسسه اندیشه پرداز (آقای حسین پورمند) به‌خاطر همکاری و مساعدت‌های صادقانه، از سرکار خانم شمسی رزازان به‌خاطر حروف چینی بخش پایانی این اثر، از آقای ایرج نعیمایی به‌خاطر کمک‌ها و حمایت‌های سودمند، از آقای سعید مشکین‌قلم مسئول انتشارات «خانه سبز» به‌خاطر مشاوره و همکاری‌های ارزشمند و آقای تیسپه اسدی به‌خاطر همکاری در تدوین و چاپ این اثر، صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری می‌نماید.

سرپرستان:

جہانگیر نصری اشرفی

حسین صمدی

اعضای ہیئت مؤلفین:

سید کاظم مداح

کریم اللہ قائمی

علی اصغر یوسفی نیا

محمد داوودی درزی

محمد حسن شکوری

عسکری آقا جانیان میری

جہانگیر نصری اشرفی

حسین صمدی

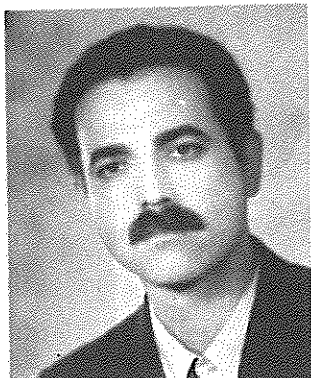
ابوالحسن واعظی

ناصر ید اللہی

جمشید قائمی

فرہاد صابر

ناعمہ پازکی



«جهانگیر نصری اشرفی»

سرپرست اول و عضو هیئت مؤلفین

جهانگیر نصری اشرفی به سال ۱۳۳۶ در شهرستان بهشهر متولد شد. این پژوهشگر پرتلاش و شاعر مازندرانی از سالها پیش فعالیت‌های گسترده‌ای را در عرصه فرهنگ و هنر این مرز و بوم آغاز نمود. از همین رو در حال حاضر برای کلیه پژوهشگران، شاعران و هنرمندان منطقه چهره‌ای آشناست.

اشرفی در کنار تحقیقات و سرودن شعر، فعالیت‌های چشمگیری در جهت پربار نمودن فستیوال‌ها و جشنواره‌های هنری استان و کشور داشته‌است که از جمله آنها باید از کوشش و تلاش وی در برپایی چندین همایش، سخنرانی‌های تحقیقی و آموزشی، یاد کرد.

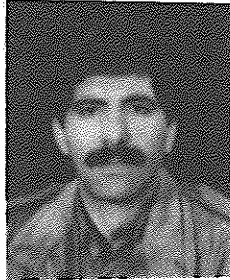
او به طور جدی به شناسایی پژوهشگران فرهنگ عامه پرداخت و با جلب همکاری نزدیک به پنجاه تن از آنان ضمن طبقه‌بندی میراث‌های ادبی، فرهنگی و فولکلور کشور به پژوهش، گردآوری و ثبت بخشی از آنها اقدام نمود.

از این شاعر محقق، مقالات، مصاحبه‌ها و رسالات تحقیقی بسیاری در مجلات و فصلنامه‌های کشور به چاپ رسیده است که «نوروزخوانی‌های ایران»، «عوامل دگرگونی ادبیات کهن تبری»، «تأثیر متقابل تعزیه - بازی‌ها و نمایش‌های بومی»، بازسازی گونه‌های مختلف اشعار فولکلوریک و منظومه‌ها با عنوان «سوتها»، «آیین‌های

مذهبی - نمایشی در ایران»، «اساس موسیقی مازندران»، «موسیقی گیلان»، «موسیقی ترکمن»، «بررسی تاریخ هنر در دو سوی البرز»، «موسیقی کومشی»، و مجموعه شعر «امیری‌های ننوز»، از جمله آنهاست.

وی همچنین آثار متعدد تحقیقاتی در دست چاپ و یا آماده انتشار دارد که عمده‌ترین آنها «ترانه‌های شواش»، «اقوام در دامنه‌های شمالی البرز»، «فرهنگ گوداری»، «بازی‌ها و نمایش‌های باستانی دو سوی البرز» و «تعزیه در ایران... می‌باشد.

اشرفی از سال ۱۳۵۵ به گردآوری وازگان تبری پرداخت و از سال ۱۳۶۹ با دعوت از پرتلاش‌ترین دست‌اندرکاران و پژوهشگران فرهنگ مازندرانی کار تدوین واژه‌نامه بزرگ تبری را آغاز نمود. او در سال ۱۳۷۰ از سوی هیئت مؤلفین به عنوان سرپرست اول هفت جلد این واژه‌نامه برگزیده شد. این واژه‌نامه محصول تلاش او و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گویش‌وران، گردآورندگان و همکاران ما است. ■



«حسین صمدی»

سرپرست دوم و عضو هیئت مؤلفین

حسین صمدی دوکی به سال ۱۳۳۶ در شهرستان قائمشهر زاده شد. این کتابشناس و پژوهشگر پر تلاش مازندرانی از سالها پیش تحقیقات پر دامنه‌ای را در راستای مازندران شناسی آغاز نمود، که در گام نخست به شناسایی و ثبت کلیه آثار منتشر شده پژوهشگران، شاعران، نویسندگان و هنرمندان مازندرانی پرداخت.

محصول سالها کوشش او انتشار اثر پراچ کتابنامه مازندران است که به همت سازمان برنامه و بودجه استان مازندران در دو جلد انتشار یافت.

از این کتابشناس و پژوهشگر توانای مازندرانی ده‌ها مقاله و آثار تحقیقی، فرهنگی و علمی در مجله‌ها و فصلنامه‌های کشور منتشر شده است.

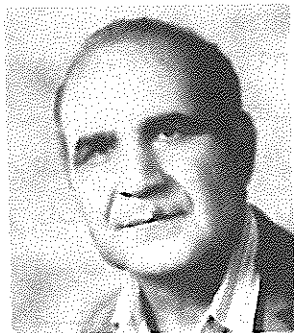
همچنین از این نویسنده و پژوهشگر چندین اثر در زمینه مازندران‌شناسی انتشار یافت که هر یک منبع ارزشمندی برای پژوهشگران بومی و دوستداران این مرز و بوم است.

از جمله آثار یاد شده می‌توان افزون بر کتابنامه مازندران از کتاب‌شناسی نیما یوشیج، کتاب‌شناسی شیخ فضل‌الله و سه جلد گاهنامه با نام «در قلمرو مازندران» یاد کرد.

تحشیه، تصحیح و انتشار سفرنامه‌هایی همچون سفر مازندران و وقایع مشروطه (سفرنامه افضل الملک به مازندران) و سفرنامه پسر اعتماد السلطنه (دیار ترکمن) حاصل کوشش او در این زمینه است. صمدی در انتشار آثار ذوقی شاعران مازندران نیز تلاش قابل ستایشی داشته است که انتشار مجموعه شعر تبری با نام «سولاردنی» از جمله آنهاست.

سالها تلاش و تحقیق او در زمینه فرهنگ و آژگان تبری موجب شد تا از سال ۱۳۷۰ به عنوان مشاور و عضو ناظر به جلسات هیأت مؤلفین فراخوانده شود. شناخت او از منابع تبری، تلاش، همکاری و آگاهی‌های او سبب شد تا از سال ۱۳۷۲ به عضویت گروه پدیدآورندگان درآمده و به عنوان سرپرست دوم در جلد اول واژه‌نامه برگزیده شود.

جلد اول این واژه‌نامه دستاورد کوشش و تلاش صمدی و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ما است. ■



«سید محمد کاظم مدّاح»

عضو هیئت مؤلفین

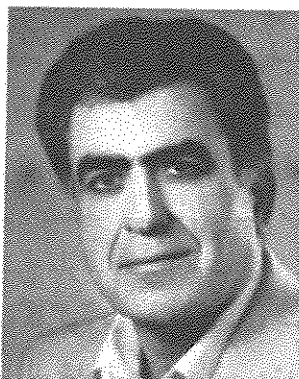
سید محمد کاظم مدّاح، محقق، شاعر و نویسندهٔ با سابقه و از پیش‌کسوتان ادبای معاصر مازندران است. وی به سال ۱۳۱۴ در شهرستان کردکوی متولد شد و دارای تحصیلات دانشگاهی در رشتهٔ ادبیات می‌باشد. از این ادیب پرشور تاکنون مقالات تحقیقی بسیاری همچون برج رادکان، سیری در گرگان زمین، مشاهیر گرگان، روستای همیشه، گزارش تورنگ تپه و فرهنگ مختصر گرگان در روزنامه‌ها، مجلات، فصلنامه‌ها و کتب تحقیقی به چاپ رسیده است.

علاوه بر این، نقش قلم، شرارهٔ خاموش، آتش پاره، بار خاطر، از آثار داستانی و منتشر شدهٔ این نویسنده است.

مدّاح سالهاست به عنوان عضو کانون شعرای گرگان در راه گسترش فرهنگ این سامان فعالیت دارد.

چند دهه تلاش و تجربهٔ این محقق در زمینهٔ گردآوری و تدوین واژه‌نامهٔ مازندرانی موجب شد تا از سال ۱۳۶۹ به عضویت هیئت مؤلفین در جلد اول واژه‌نامه بزرگ تبری برگزیده شود.

این واژه‌نامه حاصل کوشش این محقق توانا و سایر اعضای گروه پدید آورندگان و نزدیک به سیصد تن از گویش‌وران، گردآورندگان و همکاران ما است. ■



«کریم الله قائمی»

عضو هیئت مؤلفین

کریم الله قائمی فرزند صفر علی، نویسنده و پژوهشگر فرهیخته و پرتلاش، به سال ۱۳۱۸ در بالا جاده کردکوی زاده شد. وی از فرهنگیان با سابقه و زحمتکش شهرستان گرگان و از چهره‌های شاخص و شناخته شده ادبی در این شهرستان است.

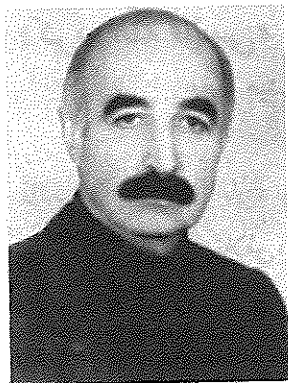
قائمی سالهاست در زمینه‌های مختلف همچون طنز، شعر، داستان کاریکلماتور به قلم زنی مشغول بوده و تاکنون تعدادی از مقالات، اشعار و نوشته‌های او در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ رسیده است.

این شاعر محقق، تحقیقات گسترده‌ای در گردآوری و تدوین باورهای گرگانی و زبان‌زدهای استارآبادی، ضرب‌المثلها و مثل‌های مازندرانی و واژگان گرگانی داشته است، که جلد اول ضرب‌المثل‌های مازندرانی ایشان با همکاری گروه مؤلفین در دست چاپ قرار دارد. محصول سالها تحقیق و گردآوری این پژوهشگر هم اکنون مراحل پایانی تدوین و تألیف را می‌گذراند و برخی از آثار ایشان نیز مانند «مجموعه اشعار»، «کاریکلماتور» در شش جلد و واژه‌نامه گرگانی آماده چاپ و انتشار است.

علاقه شدید و آگاهی‌های قائمی در حفظ

زبان مادری موجب شد که به مدت بیست سال به پژوهش و گردآوری واژگان زبان تبری پردازد. محصول دو دهه تلاش او در این گردآوری هزاران واژه پایه زبان تبری است. استاد قائمی خود از بانیان و ایجاد کنندگان جمع هیئت مؤلفین این واژه‌نامه بوده و بی‌شک یکی از فعال‌ترین و کارآمدترین اعضا محسوب می‌شود. به همین سبب و به پاس زحمات بی‌دریغ و شبانه‌روزی ایشان در تدوین این واژه‌نامه، از سوی هیئت مؤلفین به عنوان عضو ثابت در کلیه هفت جلد واژه‌نامه بزرگ تبری برگزیده شد. همچنین در آخرین نشست هیئت مؤلفین، قائمی به‌عنوان سرپرست دوم در جلدهای بعدی انتخاب و جایگزین حسین صمدی گردید.

جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش کریم الله قائمی و سایر اعضای گروه مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ما است. ■



«علی اصغر یوسفی نیا»

عضو هیئت مؤلفین

علی اصغر یوسفی نیا، محقق و تاریخ‌نویس مازندرانی به سال ۱۳۲۱ در روستای «گل‌کو» از منطقه لنگای عباس آباد تنکابن متولد شد. نخستین اثر پژوهشی او تک‌نگاری «لنگا» بود که به گفته مؤلف کتاب، شور قومی و عواطف رقیق نسبت به محیط زادگاه، وی را به تدوین این شناسنامه فرهنگی واداشت.

در عین حال لنگا از نمونه‌های معتبر و دقیق تک‌نگاری «مونوگرافی» در زمان خود محسوب می‌شود که این خود ناشی از آگاهی و بصیرت مؤلف اثر بوده است. از همین رو این کتاب مورد استقبال بی‌شائبه دانشجویان و استادان دانشگاه قرار گرفت و بزودی نایاب شد.

یوسفی نیا از سالها پیش به خاطر علاقه به رویدادهای منطقه خود و جریان‌های نظامی و سیاسی تنکابن، کار تحقیق، مطالعه و فیش برداری از منابع موجود را آغاز نمود که کتاب «تاریخ تنکابن» محصول سالها تلاش این نویسنده فاضل بوده است. این اثر که در اندک زمان چاپ دوم آن نیز نایاب شد، بدون شک یکی از بهترین کتب تاریخی در ثبت رویدادهای سیاسی و نظامی کشور و

منطقه و منبع ارزشمندی برای سایر تاریخ‌نویسان قلمداد می‌شود. از این تاریخ‌نویس و محقق گرانقدر آثار قلمی بسیاری به صورت تک‌مقاله در کتاب «تنکا» منتشر شده است. علاقه، تسلط و آگاهی ایشان بر لهجه‌های منطقه زادگاهش موجب شد تا از سال ۱۳۷۲ به عضویت گروه پدید آورندگان جلد اول این واژه‌نامه برگزیده شود.

این واژه‌نامه، حاصل تلاش علی اصغر یوسفی نیا و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گویش‌وران، گردآورندگان و همکاران ما است. ■



«محمد داوودی درزی»

عضو هیئت مؤلفین

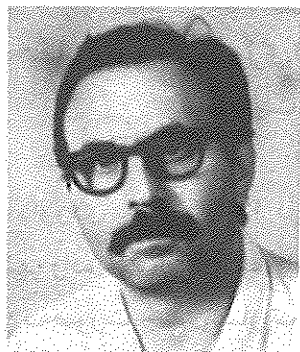
محمد داوودی به سال ۱۳۲۲ در درزی کلای نوشهر زاده شد. او در کنار تحصیل دانشگاهی به صورت جدی کار تحقیقاتی خود را در زمینه‌های مختلف علمی، ادبی و فرهنگی آغاز نمود.

داوودی ضمن همکاری و عضویت در جامعه اختر شناسان ایران و انجمن ریاضی دانان کشور و عضویت افتخاری در انجمن سیاره شناسان ملل، کار ادبی و هنری خود را نیز بدون وقفه دنبال نمود. محصول تلاش و کوشش این پژوهشگر مازندرانی به صورت ده‌ها رساله و کتاب انتشار یافته و یا در دست انتشار می‌باشد، که تصحیح و تحشیه کتاب «داستان جنگل چه بوده، دکتر حشمت که بود». تصحیح، ترجمه و تحشیه یک کتاب خطی دیوان امیر پازواری با همکاری دکتر منوچهر ستوده از جمله آنهاست.

علاوه بر این ترجمه مجموعه مقالاتی در زمینه اخترشناسی، که برخی از آنها در نشریه رصد خانه خواجه نصیرالدین طوسی به چاپ رسیده است از جمله کارهای اوست. همچنین در سال ۱۳۵۲ کتابی شامل سه داستان کوتاه به نام «همسایه‌ها» و در سال ۱۳۵۶ مجموعه شعری به نام «پرستوها» به قلم ایشان و توسط

نشر باران انتشار یافته است.

این شاعر و پژوهشگر پر تلاش، ترجمه یک جلد کتاب زندگینامه زنان و مردان بزرگ، سه جلد سفر نامه، ترجمه یک جلد ریاضی دانشگاهی اثر پرفسور «اکلی» را به اتمام رسانیده است. داوودی به لحاظ سالها تلاش در جهت گردآوری و تدوین واژگان مازندرانی در سال ۱۳۷۲ به عضویت هیئت مؤلفین این واژه‌نامه برگزیده شد. جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش این پژوهشگر و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گویش‌وران، گردآورندگان و همکاران ماست. ■



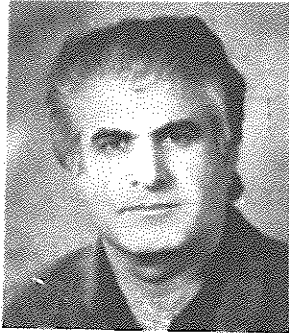
«محمد حسن شکوری»

عضو هیئت مؤلفین

محمد حسن شکوری، پژوهشگر و منتقد ادبی و تئاتر به سال ۱۳۲۶ در روستای پس‌کسلايه بزرگ تنکابن زاده شد. وی فارغ‌التحصیل ادبیات فارسی از دانشسرای عالی تهران است. شکوری از دوران دانشجویی به نقد کتاب و مصاحبه مطبوعاتی با پژوهشگران، شاعران و مترجمین پرداخته و در همین راستا رساله‌ای تحقیقی منتشر ساخت. از این مستند مقالات و رسالات چندی انتشار یافت که از آن جمله می‌توان نقد و تحلیل شعر «زمستان» زنده یاد اخوان ثالث «م - امید»، نگاهی به اندیشه و اشعار «سهراب سپهری»، نقد و معرفی چند کتاب، نقدی بر هنر شاعری و آثار محمود طبری شاعر گیلانی و فهرست پایان‌نامه‌های دانشگاه آزاد اسلامی واحد نوشهر چالوس را نام برد. این محقق هم اکنون نیز در کار تدوین چند پژوهش بومی است که مهمترین آنها، دستور زبان تنکابن و تحقیقی در افسانه‌های مردم تنکابن است. شکوری در انتشار دو شماره از مجله وزین تنکا، تلاش و نقش در خوری داشته است. همین‌طور، به‌عنوان مدرس، پژوهشگر و ویراستار با دانشگاه‌های آزاد اسلامی واحد نوشهر، چالوس و تنکابن

همکاری می‌نماید.

وی از سال ۱۳۷۲ به عضویت هیئت مؤلفین جلد اول این واژه‌نامه برگزیده شد. جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش او و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ماست. ■



«عسگری آقاجانیان میری»

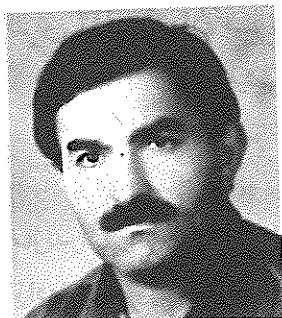
عضو هیئت مؤلفین

استاد عسگری آقاجانیان، محقق و موسیقیدان مازندرانی به سال ۱۳۲۷ در میر بازار بابلسر زاده شد. او دارای فوق‌لیسانس ادبیات فارسی است که به عنوان عضو هیئت علمی و استاد، در برخی از دانشگاه‌های مازندران مشغول فعالیت است.

ایشان از آغاز جوانی با وساطت برخی از مدرسان دانشگاه اصفهان به محضر اساتید صاحب‌نامی چون یآوری، سروش، ساغری و تاج اصفهانی راه یافت و سالها از دانش آنان در فراگیری ردیف‌های ایرانی سود جست. از همین رو در حال حاضر یکی از حافظان ردیف آوازی مکتب اصفهان و از استادان موسیقی محسوب می‌شود که بسیاری از هنرجویان و علاقه‌مندان از اندوخته‌هایش در این زمینه بهره می‌برند. از آثار ارزشمند ایشان، تحقیق جامعی درباره ترانه‌ها و تصانیف مناطق کشور به ویژه مازندران است که «ترانه‌ها و تصنیف سرایی در ادبیات عامه» عنوان آن است. همچنین «سرود طالبا» از دیگر تحقیقات آماده انتشار اوست. دانش ادبی و علمی و آشنایی استاد با لهجه‌های کوهستانی و جلگه‌ای منطقه بابل موجب شد تا از سال ۱۳۷۱ به عضویت هیئت مؤلفین

برگزیده شود.

جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش استاد عسگری آقاجانیان و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گسردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ماست. ■



«ابوالحسن واعظی»

عضو هیئت مؤلفین

ابوالحسن واعظی به سال ۱۳۳۷، در روستای کشکوی تنکابن زاده شد. تحصیلات ابتدایی را در تنکابن گذراند و سپس به قم رفت و به آموختن دروس حوزوی پرداخت. در سال ۱۳۵۹ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و همراه با تدریس در روستاهای منطقه تنکابن، در زمینه تاریخ و فرهنگ و ادب مرز و بوم خود به تحقیق پرداخت. حاصل کنکاش این محقق، مقالات متعددی است که در زمینه تاریخ فرهنگ و ادبیات تنکابن انتشار یافته است.

«کسوج گالشها»، «دژ تنکا در عهد اسماعیلیان و حمله مغول»، وجه تسمیه تنکابن و حدود و موقعیت آن، شرح حال محمد بن سلمان تنکابنی صاحب قصص العلماء، از مهمترین مقالات منتشر شده اوست. علاوه بر این، تاریخ تنکابن از آغاز تا انقراض قاجار و رجال هزار ساله تنکابن دو اثر تاریخی است که به قلم همین پژوهشگر تدوین و آماده انتشار است.

واعظی از سالها پیش تحقیقات گسترده‌ای را پیرامون واژگان گالشی و کوه‌نشینان منطقه آغاز نمود و به گردآوری و تدوین آنها پرداخت. از همین رو او از سال ۱۳۷۳ به

عضویت گروه پدیدآورندگان جلد اول این واژه‌نامه برگزیده شد.

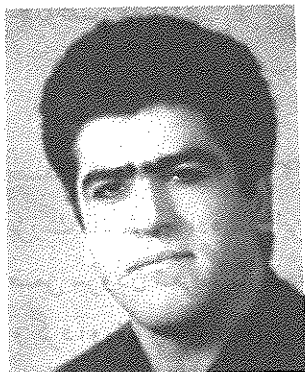
جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش این پژوهشگر و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گویشوران، گردآورندگان و همکاران ما است. ■

«ناصر یداللهی»

عضو هیئت مؤلفین

ناصر یداللهی به سال ۱۳۳۸ در قادیکلای بزرگ قائمشهر زاده شد. این شاعر مازندرانی ضمن سرودن شعر به کار تحقیق در زبان تبری و گردآوری واژگان آن پرداخت. آگاهی و تسلط او بر ویژگیهای زبان تبری، واژگان کوهپایه‌ای و جلگه‌ای زادگاهش، موجب شد تا از سال ۱۳۷۰ به عضویت گروه پدیدآوردگان جلد اول این واژه‌نامه برگزیده شود.

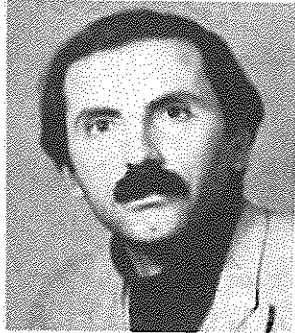
جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش او و سایر اعضا هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گردآوردندگان، گویش‌وران و همکاران ما است.



«جمشید قائمی»

عضو هیئت مؤلفین

جمشید قائمی، محقق و شاعر پرتلاش به سال ۱۳۳۹ در بالا جاده کردکوی متولد شد. او دارای فوق‌لیسانس در رشته تاریخ و مدرس دانشگاه می‌باشد. قائمی سالهاست تحقیقات ارزشمندی را در زمینه‌های مختلف مازندران‌شناسی آغاز نمود که از جمله آنها می‌توان «تحقیق در آثار باستانی گرگان»، «حکام مازندران در عصر قاجار»، بیوگرافی نمایندگان مجلس شورای ملی طی ۲۴ دوره و مونوگرافی بالا جاده کردکوی را نام برد. از این شاعر آثار قلمی پراکنده در روزنامه‌ها و مجلات کشور به چاپ رسیده است. قائمی مدت ده سال است که در زمینه گردآوری و تدوین واژه‌نامه تبری تلاش دارد. تسلط او بر لهجه‌های تبری ساکنان شرق مازندران، و شناخت متون تاریخی تبری و فیش‌برداری و استخراج از آنها و تلاش مجدانه او در این راه، موجب شد، تا از سال ۱۳۷۰ به عضویت هیئت مؤلفین برگزیده شود. جلد اول این واژه‌نامه محصول تلاش وی و سایر اعضای گروه پدیدآورندگان و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ماست. ■

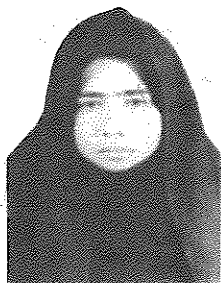


«فرهاد صابر»

عضو هیئت مؤلفین

فرهاد صابر به سال ۱۳۴۵ در شهرستان آمل زاده شد، وی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد در رشته ادبیات فارسی است. از این شاعر مازندرانی آثار بسیاری در روزنامه‌ها، مجلات کشور و بعضی نشریات معتبر ادبی به چاپ رسیده است.

همچنین در سال ۱۳۷۲ مجموعه شعر فارسی او با عنوان «آیش سبز» انتشار یافت. علاقه‌مندی و آشنایی ایشان با لهجه «دشت سری» و آشنایی او با گویش وران کهنسال منطقه آمل و همچنین استخراج شمار قابل توجه‌ای از واژگان تبری از متون و منابع فرهنگی و ادبی و تحقیقات گسترده میدانی موجب شد تا از سال ۱۳۷۰ به عضویت گروه پدیدآورندگان جلد اول برگزیده شود. جلد اول این واژه‌نامه حاصل تلاش فرهاد صابر و سایر اعضای هیئت مؤلفین و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان گویش وران و همکاران ماست. ■



«ناعمه پازکی»

عضو هیئت مؤلفین

ناعمه پازکی به سال ۱۳۵۰ در ساری زاده شد. او فارغ‌التحصیل رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی است. پازکی به هنگام تحصیل تلاش در خوری را در زمینه‌های گوناگون فرهنگی و هنری منطقه آغاز نمود. حاصل این تلاش گردآوری و تدوین ضرب‌المثلهای مازندرانی و تهیهٔ فیلم مستند تاریخی «فیروزهٔ خزر» پیرامون آثار تاریخی فرح‌آباد ساری است.

علاقه‌مندی و همکاری ارزنده او با هیئت مؤلفین سبب شد تا در سال ۱۳۷۳ از سوی سرپرستان به عضویت گروه پدیدآورندگان جلد اول این واژه‌نامه، برگزیده شود.

جلد اول واژه‌نامه محصول تلاش او و نزدیک به سیصد تن از گردآورندگان، گویش‌وران و همکاران ما است. ■

معرفی اعضای جدید

محمد ابراهیم نظری

محمد ابراهیم نظری پژوهشگر و نویسنده کتولی به سال ۱۳۳۶ در شهرستان کتول متولد شد. او دارای دانشنامه لسانس تاریخ و دبیر دبیرستان‌ها است.

از این پژوهشگر پر تلاش تاکنون دو اثر منطقه‌ای با عنوان «تاریخ سیاسی اجتماعی کتول» و «جغرافیای سیاسی کتول» منتشر شده است. او در حال حاضر، مشغول تحقیق و تدوین تاریخ مشروطه استر آباد می‌باشد.

نظری به لحاظ سال‌ها پژوهش در واژه‌های استرآبادی از سال ۱۳۷۴ همکاری خود را با هیئت مؤلفین در جلد اول واژه‌نامه آغاز نمود. تلاش مستمر و فعالیت‌های جدی او در جلد اول موجب شد تا به پیشنهاد سرپرستان و تأیید پدیدآورندگان به عضویت هیئت مؤلفین در جلد دوم این واژه‌نامه برگزیده شود.

علی اعظم حیدری

علی اعظم حیدری پژوهشگر مازندرانی به سال ۱۳۲۸ در شهر آلاشت سوادکوه متولد شد. او دارای مدرک کاردانی کتابداری از دانشگاه علامه طباطبایی است.

اعظمی از سال‌ها پیش کوشش قابل ملاحظه‌ای را در برخی از موضوعات فرهنگ بومی به‌ویژه زبان تبری آغاز نمود. حاصل این تلاش، گردآوری و ریشه‌یابی تعداد قابل ملاحظه‌ای از واژه‌های منطقه سوادکوه می‌باشد. همکاری جدی حیدری موجب شد تا به پیشنهاد سرپرستان و تأیید پدیدآورندگان، از سال ۱۳۷۵، به عضویت هیئت مؤلفین در جلد دوم این واژه‌نامه برگزیده شود.

جعفر اکبر پور

جعفر اکبر پور به سال ۱۳۵۲ در شهرستان بهشهر (روستای التپه) متولد شد او دارای دانشنامه لسانس ادبیات است. اکبر پور از جمله پژوهشگران جوانی است که در زمینه ادبیات مازندران تلاش در خوری داشته است. حاصل این تلاش، تدوین و طبقه‌بندی پنج‌هزار واژه منطقه‌ای است که در اختیار آرشیو واژه‌نامه بزرگ تبری قرار گرفته است.

تلاش او موجب شد تا به پیشنهاد سرپرستان و تأیید گروه پدید آورندگان، از سال ۱۳۷۵، به عضویت هیئت مؤلفین در جلد دوم این واژه‌نامه برگزیده شود. ■

معرفی گروه

گردآوردگان،

گوشوران

و

همکاران

www.tabarestan.info
تبرستان

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
آزادی	آذربوش	تهران	۱۳۵۳	لیسانس	هنرمند	همکاری پراکنده
آزادیان	ولی الله	-	-	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
آذری	فاطمه	ساری	۱۳۵۱	لیسانس	پژوهشگر	همکاری پراکنده
آفاحیان	محترم	بابل	۱۳۳۰	ابتدایی	خانه دار	گویشور
آفاحیان میری	عسکری	بابل	۱۳۲۷	فوق لیسانس	استاد دانشگاه	گردآورنده
آماری	مینا	تهران	۱۳۴۸	فوق لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
ابراهیمزاده	نازنین	تهران	۱۳۴۸	دکترا	پژوهشگر	همکاری پراکنده
ابراهیمزاد	آزاد مهر	قائم شهر	۱۳۵۱	لیسانس	دبیر	گردآورنده
ابراهیمیان	سید زینب	آمل (دشت سر)	۱۳۲۸	-	خانه دار	گویشور
احمدی	علیرضا	بابل (بندپی)	۱۳۳۹	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
احمدی	فریادعلی	-	۱۳۳۸	-	-	همکاری پراکنده
احمدیان	حسن	ننکابن	۱۳۲۲	لیسانس	دبیر	گویشور
احمدیان	سینا	ننکابن (خرم آباد)	۱۳۶۰	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
اسحاقی	محمد رضا	بهشهر (گرچی محله)	۱۳۲۶	ابتدایی	هنرمند	گویشور
اسکندری	یحیی	بهشهر (گرچی محله)	۱۳۲۰	سیکل	کارمند	همکاری پراکنده
آشیدری	بهداد	بنگلور هند	۱۳۵۹	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
آشیدری	بهزاد	بنگلور هند	۱۳۶۲	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
اصلانی	علی اصغر	کتول (بیچک محله)	۱۳۲۹	-	کشاورز - نوازنده	گویشور
اکبرپور	جعفر	بهشهر (التبه)	۱۳۵۱	لیسانس	آزاد	گردآورنده
امانی	شیرزاد	سوادکوه (کتول)	۱۳۳۲	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
امیدی	اسماعیل	بهشهر (فراش محله)	-	دکترا	پزشک	همکاری پراکنده
امینی	بهمن	رامسر	۱۳۴۸	فوق دیپلم	دبیر	همکاری پراکنده
ایزدی	هما	ننکابن (چالکش)	۱۳۴۶	-	-	همکاری پراکنده
ایزدی	رضا	ساری	۱۳۴۶	دکترا	پزشک	گویشور
ایمان پرور	نور علی	ساری (امرہ)	۱۳۳۲	لیسانس	دبیر	گویشور
ایمانی	راحله	تهران	۱۳۵۰	فوق لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
بابائی	مهری	ساری	۱۳۳۸	دیپلم	خانه دار	همکاری پراکنده
بابا کردی	رمضان	کتول	۱۳۲۸	فوق دیپلم	دبیر	گویشور
باقری جامخانه	ابراهیم	ساری (جامخانه)	۱۳۵۱	لیسانس	دبیر	گردآورنده
بالاجاده	محمد مهدی	گردکوی (بالاجاده)	-	ابتدائی	کشاورز	گویشور
بختیاری عمران	آذر	بابل	۱۳۳۰	-	خانه دار	گویشور
برومند	علی اکبر	بابل	۱۳۱۸	لیسانس	دبیر	گویشور
بزرگ نیا	اداک	بابل (بندپی)	۱۲۹۷	-	کشاورز	گویشور
بزرگ نیا	-	بابل	۱۳۲۲	-	آزاد	همکاری پراکنده
بزرگ نیا	عیسی	ساری (بندپی)	۱۳۰۷	لیسانس	دبیر	گویشور - همکاری پراکنده
بزرگی	فاطمه	بابل	۱۳۳۶	-	خانه دار	گویشور
بستغامی	سیمین	کرج	۱۳۴۷	لیسانس	آزاد	همکاری پراکنده
بلارک	یار علی	سوادکوه (لیند)	۱۳۴۰	دیپلم	دندان ساز	گویشور - همکاری پراکنده
بینائی	قوام الدین	نور (ایزده)	-	فوق لیسانس	استاد دانشگاه	گویشور
پازکی	حسین	دهماوند	۱۳۲۲	سیکل	کارمند بازنشسته	همکاری پراکنده

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
پورمند	حسین	کرمانشاه	۱۳۳۸	لیسانس	مدیران‌دیشه‌پرداز	همکاری پراکنده
نجری	محمد	کتول	۱۳۴۴	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
نجری	فریان	کتول	۱۳۴۱	فوق دیپلم	دبیر	همکاری پراکنده
تقوانی	-	قائم‌شهر	۱۳۰۵	ابتدایی	آزاد	گوش‌ور
تقی‌پور	حسن	لاهیجان	۱۳۱۸	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
تقی‌زاده	یوسف	بابل	۱۳۰۸	-	آزاد	گوش‌ور
تقی‌زاده	حمیرا	تهران	۱۳۵۲	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
جوادی	سیدضیاءالدین	کتول	۱۳۲۴	فوق لیسانس	مدرس	همکاری پراکنده
جوادیان	محمود	قائم‌شهر (کوننا)	۱۳۳۵	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
حاج‌ابهر	شها	کرج	۱۳۴۵	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
حاجوری	نوروزعلی	چالوس	۱۳۲۴	ابتدائی	کاسب	گوش‌ور
حسینی	سیدکلثوم	ساری (آزادگله)	۱۳۲۰	ابتدایی	خانه‌دار	گوش‌ور
حسینی	سید خدیجه	ساری	۱۳۳۹	دیپلم	-	گردآورنده
حسینی	محمد	کتول (بالاچلی)	۱۳۱۸	-	راننده	گوش‌ور
حسینی	مریم	ساری	۱۳۴۹	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
حسینی	آقا‌برار	بابل (بندپی)	۱۳۰۱	بی‌سواد	دامدار	گوش‌ور
حسینی	سید حسین	بهبهر	۱۳۴۴	ابتدایی	آزاد	همکاری پراکنده
حسینی	سید حسن	کتول (بالاچلی)	-	-	کاسب	همکاری پراکنده
حسینی	سید احمد	کتول (بالاچلی)	۱۳۴۲	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
حسینی	محمد	بابل (کیاکلا)	۱۳۵۲	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
حق‌شعار	زهره	همدان	۱۳۴۰	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
حق‌شعار	گبری	همدان	۱۳۴۲	-	خانه‌دار	همکاری پراکنده
حقی	افسانه	تهران	۱۳۵۱	لیسانس	هنرمند	همکاری پراکنده
خالقی	منوچهر	آمل (لاریجان پنجاب)	۱۳۴۰	دیپلم	کاسب	همکاری پراکنده
خرزانی	داوود	نوشهر (توسکانک)	۱۳۳۶	دیپلم	آزاد	گوش‌ور
خرزانی	عذرا	نوشهر (درزی‌کلا)	۱۳۳۶	دیپلم	خانه‌دار	گوش‌ور
خسروی	علی	بهبهر	۱۳۴۸	سیکل	آزاد	همکاری پراکنده
خواججه‌محمدی	احسان	عباس‌آباد (کروگاس)	۱۳۱۷	ابتدائی	آزاد	گردآورنده
خواججه‌وند	رحیم	بهبهر	۱۳۱۵	دیپلم	آزاد	گوش‌ور
داداش‌نیا	عذرا	نوشهر (درزی‌کلا)	۱۳۲۴	ابتدائی	خانه‌دار	همکاری پراکنده
داداشی	شها	بابل	۱۳۴۹	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
داوودی	کلثوم	نوشهر (رودبار)	۱۳۰۰	-	خانه‌دار	گوش‌ور
دنکوب	شاه‌خانم	کتول	۱۳۱۵	-	خانه‌دار	گوش‌ور
دنکوب	ذبیح‌الله	کتول	۱۳۲۳	ابتدایی	-	همکاری پراکنده
دولت‌آبادی	حسن	ساری	۱۳۳۶	فوق لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
رافعی	عباس	ساری	۱۳۳۰	لیسانس	آزاد	همکاری پراکنده
رحیمی	گل‌نئی	سوادکوه (لیند)	۱۳۱۴	-	خانه‌دار - دامدار	گوش‌ور
رحمانی	علی	ساری	۱۳۴۴	لیسانس	دانشجو	همکاری پراکنده
رحمانی	حسین	ساری	-	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
رزازان	شمسی	شاهرود	۱۳۳۵	فوق دیپلم	نایب‌ست	حروف‌چینی

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
رمضانی	صفرعلی	عباس آباد (ماشل آباد)	۱۳۳۵	ابتدائی	کشاورز	گردآورنده
رهنما	وحیده	تهران	۱۳۵۷	دیپلم	-	همکاری پراکنده
رهنما	مهدی	تهران	۱۳۵۹	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
رهنمون	آرام	بابل	۱۳۵۰	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
رهی زاد	مصطفی	مشهد	۱۳۴۱	لیسانس	آزاد	همکاری پراکنده
زرمهری	نورگس	تهران	۱۳۴۸	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
زیدی	تهمینه	تهران	۱۳۵۵	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
زیدی	سارا	تهران	۱۳۵۳	لیسانس	هنرمند	همکاری پراکنده
زینعلی	عابدین	عباس آباد (کرکاس)	-	سواد قدیمه	آزاد	گردآورنده
ساور	قربانعلی	کتول	۱۳۲۸	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
ستوده	منوچهر	-	۱۳۳۲	دکتر	استاد- محقق	راهنمایی های پراکنده
سلیم	اباذر	قائم شهر	۱۳۳۲	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
سلیمانی	حاج عباس	کتول	۱۳۰۰	بی سواد	کشاورز	گویشور
سلیمانیان	آزاده	تهران	۱۳۵۲	لیسانس	خانه دار	همکاری پراکنده
شگری	گل خانم	ساری	۱۳۰۱	-	خانه دار	همکاری پراکنده
شکوهی	جهانگیر	قائم شهر (شور مست)	۱۳۳۹	دیپلم	هنرمند	همکاری پراکنده
شکوهی	جهانبخش	سوادکوه (شور مست)	۱۳۳۳	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
شهریاری	محمدعلی	گردکوی (بالاجاده)	۱۳۰۷	ابتدائی	کارمند بازنشسته	گویشور
شهنازی	جمشید	ساری	۱۳۳۴	لیسانس	مهندس	همکاری پراکنده
شیخ نظری	حاج علی	کتول	۱۳۰۰	بی سواد	کشاورز	گویشور
شیخی	فاطمه	مشهد	۱۳۳۵	دیپلم	خانه دار	همکاری پراکنده
شیخی	عذرا	مشهد	۱۳۳۹	لیسانس	آزاد	همکاری پراکنده
شیرپور	حمید	تهران	۱۳۲۰	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
شیرزاد	کامران	تهران	۱۳۴۰	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
شیرزاد	رضی اله	ساری	۱۳۳۹	فوق لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
شیرزاد	رضا	ساری (آهودشت)	۱۳۲۹	ابتدائی	راننده	گویشور- گردآورنده
شیرزادی	عباس	ساری (شیخ محله)	۱۳۵۳	-	دانشجو	گردآورنده
صابر	عنایت	آمل (آهنگرکلا)	۱۳۱۹	بی سواد	مغازه دار	گویشور
صابری	یعقوب	ساری	۱۲۹۹	-	کشاورز	گویشور
صادقی	منصور	گردکوی (بالاجاده)	۱۳۲۵	ابتدائی	کشاورز	گویشور
صادقیان	غلامعلی	بهشهر	۱۳۲۱	ابتدائی	آزاد	همکاری پراکنده
صداقت	حسن	کتول	۱۳۳۵	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
صمیمی	هادی	ساری	۱۳۰۸	دیپلم	کارمند بازنشسته	گویشور
صمیمی	حسن	قائم شهر	۱۳۱۰	ابتدائی	دام دار	گویشور
صنعتگر	محسن	تهران	۱۳۳۶	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
صنعتی	فتانه	تهران	۱۳۵۱	لیسانس	هنرمند	گردآورنده
ضیائی	نادرعلی	ساری	۱۳۴۲	سیکل	تکنسین	همکاری پراکنده
طیبی	حسین	ساری (دودانگه)	۱۳۱۸	ابتدایی	هنرمند	گویشور
طالبی	ابراهیم	ساری (دودانگه)	۱۳۱۸	سواد قدیمه	دامدار	گویشور
طالبی	صنم	تنگابن (پس چال)	۱۳۲۵	-	خانه دار	گویشور

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
طبرستانی	فاطمه	تنکابن (قلعه گردن)	۱۳۱۱	-	خانه‌دار	گوش‌ور
عابدی‌زنکی	حاج اسداله	بندرگز (مزنک)	۱۲۹۳	-	کشاورز	گوش‌ور
عاقلی	حاج احمد	آمل (آهنگرکلا)	۱۲۸۵	-	کشاورز	گوش‌ور
عاقلی	کت آقا	آمل (دشت‌سر)	۱۳۰۹	-	کشاورز	گوش‌ور
عباسی	رجبعلی	ساری (آزادکله)	۱۳۴۲	دیپلم	هنرمند	همکاری پراکنده
عباسیان	-	ساری (سورک)	۱۳۳۲	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
عبدل‌آبادی	افسانه	ساری	۱۳۴۹	دانشجو	نایبست	حروفچینی
عظیمی	اسماعیل	بهشهر	۱۳۳۹	دیپلم	تکنسین	همکاری پراکنده
عقیلی	رقیه	محمودآباد (سرخ‌رود)	۱۳۲۹	ابتدایی	خانه‌دار	همکاری پراکنده
علی‌آبادی	حاج صفرعلی	کتول	۱۳۱۴	-	نجار	گوش‌ور
علی‌آبادی	-	کتول	۱۳۴۲	دیپلم	کارمند	گردآورنده
علی‌آبادی	حاج ولی‌اله	کتول	۱۲۹۰	-	کشاورز	گوش‌ور
علی‌آبادی	ربیع‌اله	کتول	۱۳۱۵	-	کشاورز	گوش‌ور
عمادی	اسداله	قائم‌شهر	۱۳۳۱	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
غانی	مسعود	انزلی	۱۳۳۹	فوق لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
غفاری	حسین	آمل (ایرا)	۱۳۱۴	ابتدایی	کاسب	گوش‌ور
غفاری	سیدکنوم	ساری (کولا)	۱۳۰۵	-	خانه‌دار	گوش‌ور
غفاری	سیدمقبوله	ساری (کولا)	۱۳۰۹	-	خانه‌دار	گوش‌ور
غلامی	فریده	نبریز	۱۳۳۸	دیپلم	کارمند	همکاری پراکنده
غلامی	محمد	تنکابن (خرم‌آباد)	۱۳۳۳	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
فاضل	مریم	بابل	۱۳۴۸	لیسانس	آزاد	گردآورنده
فاضلی	هدایت	تنکابن (گراکوی)	۱۳۲۷	لیسانس	دبیر	گوش‌ور
فرخی	درویشعلی	بهشهر	۱۳۳۴	فوق دیپلم	تکنسین	همکاری پراکنده
فرخی	طویا	کردکوی (بالاجاده)	۱۲۹۶	-	خانه‌دار	گوش‌ور
فروج‌پور	غلامرضا	ساری (چهار دانگه)	۱۳۳۸	سیکل	کشاورز	گوش‌ور - همکاری پراکنده
فردی	علی	قائم‌شهر	۱۳۳۴	ابتدایی	آزاد	گردآوری
فوری	بهرام	کتول	۱۳۳۱	لیسانس	دبیر	گوش‌ور
فیمیلی لاریجانی	عزت‌اله	آمل (لاریجان)	۱۳۲۴	ابتدایی	راننده	گوش‌ور
فیروزپور	اسماعیل	قائم‌شهر (تارسی‌کلا)	۱۲۹۶	-	دامدار	گوش‌ور
قاسم‌پور	کلنوم	سوادکوه (زیراب)	۱۳۴۱	دیپلم	خانه‌دار	گوش‌ور
قائمی	رمضانعلی	کردکوی (بالاجاده)	۱۳۲۵	لیسانس	کارمند	گوش‌ور - گردآورنده
قائمی	صفرعلی	کردکوی (بالاجاده)	۱۲۹۶	سواد قدیمه	کشاورز	گوش‌ور
قائمی	علی	گورگان	۱۳۵۶	-	دانشجو	همکاری پراکنده
قائمی	قدرت	کردکوی (بالاجاده)	۱۳۱۴	دیپلم	کارمند	گوش‌ور
قائمی	کریم‌اله	کردکوی (بالاجاده)	۱۳۱۸	فوق دیپلم	معلم	گردآورنده - گوش‌ور
قائمی	موسی	کردکوی (بالاجاده)	۱۳۳۲	لیسانس	کارمند	گوش‌ور - گردآورنده
قائمیان	فاطمه	بابل	۱۳۴۲	فوق دیپلم	نایبست	حروفچینی
قربانی	حاج حسن	کتول	۱۳۰۲	-	دامدار	گوش‌ور
قربانی	حسین	بهشهر (کوا)	۱۳۴۶	فوق لیسانس	کارمند صدا و سیما	همکاری پراکنده
قربانی	یوسفعلی	ساری (آهو دشت)	۱۳۳۶	سیکل	رادپوساز	گردآورنده

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
قلی پور گوردزی	شهرام	بابل	۱۳۵۱	لیسانس	دبیر	گردآوری
قیصری	جلیل	نور	۱۳۳۵	لیسانس	دبیر	گویشور
قیصریان	حسن	کرج	۱۳۲۰	لیسانس	دبیر	گویشور
کانیدی مجد	منوچهر	-	-	دکتر	پزشک	همکاری پراکنده
کاشانی	حمید	بهشهر	۱۳۳۷	دکتر	پزشک	همکاری پراکنده
کاظمی	بمانی	آمل (لاریجان)	۱۳۱۰	-	خانه دار	گویشور
کاووسی	محمد	تهران	۱۳۲۸	دکتر	پزشک	همکاری پراکنده
کاویانی	علیرضا	کتول	۱۳۳۵	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
کر دکتول	درویش	کتول	۱۳۱۰	ابتدایی	کشاورز	گویشور
کسانی	حاج ملا	بهشهر (هزار جریب)	۱۲۹۷	-	دامدار	گویشور
کوهساری	محمدحسین	کتول	۱۳۱۹	لیسانس	دبیر	گویشور
کیاجوری	غلامعلی	نوشهر	۱۳۲۱	لیسانس	کارمند بازنشسته	گویشور
کیایی	علی	ساری	۱۳۲۲	فوق دیپلم	دبیر	همکاری پراکنده
گر مردی	سید بی بی	ساری (بل گردن)	۱۳۲۹	بی سواد	خانه دار	گویشور
موجبی	فردوس	قائم شهر	۱۳۳۳	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
موجبی	مهناز	قائم شهر	۱۳۳۵	دیپلم	خانه دار	همکاری پراکنده
محقق بهشتی	راحله	بابل	۱۳۵۱	لیسانس	آزاد	همکاری پراکنده
مزیدپور	-	عباس آباد (کوکاس)	۱۳۰۸	-	آزاد	گویشور
مزیدی	بهرام	کتول	۱۳۳۰	لیسانس	گویشور	گویشور
معافی مدنی	حجت اله	تنکابن (سیاورز)	۱۳۳۴	فوق دیپلم	دبیر	گویشور
معلمی	سید مرتضی	تنکابن (معلم کوه)	۱۳۳۲	لیسانس	دبیر	گویشور
مصیب زاده	زهرا	آمل (ایرا)	۱۳۲۱	-	خانه دار	گویشور
ملکی	سعیده	تهران	۱۳۶۰	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
ملکی	سمیرا	تهران	۱۳۵۷	دیپلم	دانش آموز	همکاری پراکنده
موسوی تروجنی	سید تقی	بهشهر (تروجن)	۱۳۳۵	لیسانس	کشاورز	گردآورنده
مهجوریان	باقر	آمل	۱۳۳۵	لیسانس	آزاد	گردآورنده
مهجوریان	علی اصغر	آمل	۱۳۲۸	ابتدایی	راننده	گردآورنده
مهجوریان	علی اکبر	آمل	۱۳۲۶	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
مهدیان	علی	بهشهر	۱۳۱۴	دیپلم	کارمند بازنشسته	گردآورنده
میرزاپور بیشه سری	زهرا	آمل	۱۳۳۱	سیکل	خانه دار	گویشور
میرزاپور بیشه سری	علیرضا	آمل	۱۳۳۴	ابتدایی	کاسب	گویشور
میری	سید حسن	بابلسر	۱۳۴۸	-	ماهیگیر	گویشور
میلادی	حسن	بهشهر	۱۳۰۵	-	دامدار	گویشور
میلادی	زبیده	بهشهر (گرچی محله)	۱۲۹۰	-	خانه دار	گویشور
میلانی	بهناز	تهران	۱۳۴۵	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
ناطقی	مهناز	تهران	۱۳۴۹	دیپلم	خانه دار	همکاری پراکنده
نذیری	علی	بندرگز	۱۳۴۵	دیپلم	کارمند	گردآورنده
نصری اشرفی	آناهیتا	تهران	۱۳۶۳	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
نصری اشرفی	سیاوش	تهران	۱۳۶۲	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
نصیری اشرفی	ناصر	بابل	۱۳۶۲	-	دانش آموز	همکاری پراکنده

نام خانوادگی	نام	محل تولد	سال تولد	تحصیلات	شغل	نوع همکاری
نظری	صبورا	کتول	۱۳۶۵	-	دانش آموز	همکاری پراکنده
نظری	طویبا	کتول	۱۳۲۵	-	خانه‌دار	همکاری پراکنده
نظری	کبری	کتول (چلی)	۱۳۱۵	-	خانه‌دار	گوش‌ور
نظری	لیلا	کتول (چلی)	۱۳۰۰	-	خانه‌دار	گوش‌ور
نظری	محمد ابراهیم	کتول	۱۳۳۶	لیسانس	دبیر	گوش‌ور - همکاری پراکنده
نظری	یوسف	کتول	۱۳۲۰	ابتدایی	کشاورز	گوش‌ور
نعمتی	اکبر	قائم‌شهر	۱۲۹۸	-	دامدار	گوش‌ور
نعمتی	حاج اسلام	کتول (چلی)	۱۳۰۰	ابتدایی	کشاورز	گوش‌ور
نعمانی	ایرج	نوشهر (مهران آباد)	۱۳۲۸	فوق لیسانس	هنرمند	همکاری پراکنده
نوری	مهران	زیراب	۱۳۴۹	دیپلم	آزاد	همکاری پراکنده
نیکزادیان	زبیده بیگم	بابل (اوشیب)	۱۲۹۷	ابتدایی	خانه‌دار	همکاری پراکنده
نیکزادیان	طاهره	مرگان	۱۳۰۱	-	خانه‌دار	همکاری پراکنده
نیک منش	ابراهیم	تهران	۱۳۳۵	دکترا	استاد	همکاری پراکنده
نیکی پور	سارا	تهران	۱۳۴۹	لیسانس	کارمند	همکاری پراکنده
وندادی	کیومرث	ساری (دودانگه)	۱۳۳۳	دیپلم	دبیر	گردآورنده
هاشمی چلاوی	سیدعلی	آمل (چلاو)	۱۳۳۴	فوق دیپلم	معلم	همکاری پراکنده
هدایت	محمد	آمل (ایرا)	۱۳۲۸	لیسانس	-	همکاری پراکنده
هدایتی	کریم	بابل	۱۳۳۶	لیسانس	دبیر	همکاری پراکنده
هدایتی	یداله	بابل (بندیپی)	۱۲۹۸	-	دامدار	گوش‌ور
یوسفی	آقابرار	قائم‌شهر	۱۳۴۰	دیپلم	آزاد	گردآورنده
یوسفیان	حسن	ساری	۱۳۲۸	دیپلم	آزاد	گردآورنده
یوسفی‌نیا	آرش	عباس‌آباد (گل‌کوه)	۱۳۵۴	دیپلم	آزاد	گردآورنده
یوسفی‌نیا	حیدر	عباس‌آباد (گل‌کوه)	۱۳۵۲	لیسانس	آزاد	گردآورنده
یوسفی‌نیا	هومن	عباس‌آباد (گل‌کوه)	۱۳۵۹	-	دانش آموز	گردآورنده
یونسی	علی	کتول	۱۳۵۵	-	دانش آموز	گردآورنده
یونسی	نورعلی	کتول	۱۳۱۵	-	کشاورز	گوش‌ور
بیلاقی	برارعلی	مرگان	۱۳۰۱	-	دامدار	گوش‌ور
بیلاقی	حبیب‌اله	آمل (لاریجان)	۱۳۰۲	ابتدایی	دامدار	گوش‌ور
بیلاقی	مهسا	آمل	۱۳۵۶	-	دانشجو	همکاری پراکنده
بیلاقی	نصرت‌اله	آمل (لاریجان)	۱۳۴۰	-	کشاورز	همکاری پراکنده

پیش سخن

زبان تبری (مازندرانی) که از زبان‌های کهن ایران است؛ بنا بر اندک نشانه‌های بازمانده از پیشینیان، زمانی یکی از حوزه‌های پربار زبانی کرانه‌های جنوبی دریای مازندران، دامنه‌های شمالی البرز و بخش گسترده‌ای از شمال ایران بوده است که هنوز شمار فراوانی از تیره‌ها و گروه‌های ایرانی بدان سخن می‌رانند. از منظر همین زبان است که، شمار زیادی از مردم کشورمان به گنجینه‌های گهربار میراث فرهنگی گذشتگان و تمدن دیرینه این سامان راه جسته و پژوهشگران از دریچه آن به سنت‌ها، سروده‌ها، چکامه‌ها، افسانه‌ها، اساطیر و تاریخ این مرز و بوم ژرف‌کاوانه می‌نگرند. در مناطقی از این حوزه زبانی است که هنوز می‌توانیم شاهد ماندگاری و کاربرد آن باشیم. مناطقی که از غرب به شرق، دهکده‌های کوهستانی قصران کهن شامل روستاهای اوشان، فشم و آبادی‌های دماوند، گاجره، شمشک و از دیگر سو چهاردانگه و دو دانگه هزار جریب، دهستان‌های شاه کوه و شاهوار کتول، فیروز کوه، سوادکوه، لاریجانان، کوهستان‌های بندی و چلاو، کوهستان‌های نور، کجور، بیرون بشم دماوند، کلاردشت، لنگا، نشتا، سه هزار و دو هزار را در بر می‌گیرد.

بازگفتنی است که امروز بیشتر مردم یکی از پرجمعیت‌ترین جلگه‌های کشور، از تنکابن، عباس آباد و محال ثلاث در غرب و علی آباد کتول در شرق استان مازندران (یعنی رویان و استندار، تبرستان و استار آباد کهن) در این حوزه زبانی قرار دارند و به آن سخن می‌گویند که شماری بالغ بر چهار میلیون نفر از جمعیت کشورمان را در بر می‌گیرد.

باید گفت بیشتر پدیده‌ها، آثار خطی و نوشتاری زبان تبری، در گذر هزاره‌ها و سده‌ها به سبب تاراج بیگانگان از یک سو و از سوی دیگر به سبب نابخردی و بی‌کفایتی و درگیری‌های پیوسته اسپهبدان، امیران و ملوک تیره‌های بومی، به دست نابودی سپرده شد. با این همه پژوهشگران گذشته و حال بر این نکته باورمندند که کتاب ارزشمند مرزبان‌نامه نوشته مرزبان بن شروین بن رستم که امروز یکی از متون گرانبه‌ای ادبی کهن و از نمونه‌های درخشان نثر مصنوع و مزین ایران زمین به شمار می‌آید، با این زبان نگاشته شد و بعدها به عربی، فارسی و نیز ترکی ترجمه شده است.

برگردان قرآن کریم به زبان تبری، که به کوشش ادیبی ناشناخته پدید آمد گواهی بر ژرفایی، گسترده‌گی و توانایی این زبان در بیان اندیشه‌های مذهبی و فلسفی در گذشته‌های نه‌چندان دور بوده است.

همچنین آثاری چون «نیکی‌نامه» نوشته مرزبان بن رستم و «باوند نامه» نوشته نویسنده‌ای ناشناخته هرچند تاکنون به دست نیامده است، اما بنا بر گواهی تذکره‌ها و شماری منابع تاریخی به زبان تبری

نگاشته شده‌اند. در این میان باید از برخی پدیده‌ها و آثار گران‌سنگ ادبی و فلسفی نیز یاد کرد که طی سده‌های میانی هجری از عربی و یا فارسی به زبان تبری برگردانده شده‌اند که از جملهٔ آنها برگردان تبری مقامات حریری مربوط به سدهٔ نهم هجری، «التفسیر» زیدیهٔ تبرستان، مجموعهٔ منشآت و احکام به سه زبان فارسی، عربی و تبری، که چند نسخه از آن با اختلافاتی در کتابخانه‌های جهان موجود است. علاوه بر آن اشعار منسوب به سنی‌النساء خواهر طالب آملی به زبان تبری است. همچنین اشارهٔ نویسندهٔ کتاب قابوسنامه که به زبان تبری نیز می‌نوشته است، بیانگر پیشینهٔ دیرین کاربرد این زبان در میان اقوام ایرانی است. گذشته از این برخی از آثار خطی این زبان همچون سروده‌های منسوب به امیر پازواری به کتابخانه‌های خارج از کشور مانند کتابخانهٔ «سن پترزبورگ» برده شد که امروز برگردان فارسی آن در دسترس کاوشگران این زبان قرار دارد.

نوشته‌های تاریخی پیش از سدهٔ دهم (هق) مانند تاریخ رویان از اولیاءالله آملی ضرب‌المثل‌ها و سروده‌هایی از زبان تبری را به همراه دارد و اشعار منسوب به امیر پازواری و امیر مازندرانی سرایندهٔ دورهٔ قاجار نیز با همین زبان آفریده شده است که بعدها دکتر صادق کیا، پاک نوشت آن را همراه با فرهنگی کوچک به عنوان تز دورهٔ دکترای خود منتشر کرد.

مجموعهٔ داشته‌هایی چنین، گواهی می‌دهند که زبان تبری زمانی از چنان گستره‌ای در واژگان و دستور و توانایی در بیان اندیشه برخوردار بود که بسیاری از ادبا و نویسندگان، آثار تاریخی، فرهنگی و هنری خود را با این زبان نگاشته‌اند. بی‌تردید می‌توان گمان برد که شمار زیادی از این‌گونه آثار زبان تبری نابود شده، یا هنوز ناشناخته مانده و در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. باید دانست ضرورت امروزین گسترش زبان و ادب پارسی به عنوان یکی از دیرپاترین و ماندگارترین نهادهای تمدن و فرهنگ ایرانی و اهرم بنیادین آن در همگرایی و وحدت ملی، ناخواسته سبب گسیختگی و فروپاشی زبانهای بومی ایرانی شده است. زبان‌هایی که هر کدام ریشه‌های درخت تنومند زبان و ادب پارسی می‌باشند و بی‌شک در صورت گردآوری و ثبت درست، می‌توانند در گسترش و ژرفابخشی زبان فارسی امروز کار ساز باشند.

توجه بزرگانی همچون دهخدا و دکتر معین در گردآوری برخی واژه‌های تبری در فرهنگهای فارسی که به بهای زندگی آنان پدید آمد نشانهٔ اهمیتی است که دانشوران بلند آوازهٔ این مرز و بوم برای ثبت زبانهای شفاهی و در حال فراموشی، قایل بوده و هستند. از همین رو سودمندی گردآوری اصولی و شیوه‌مند گویش‌ها و زبان‌های تیره‌ها و اقوام ایرانی بر هیچ خردمند و فرزانه‌ای پوشیده نیست.

این گویشها همراه با ادبیات شفاهی و گاه نوشتاری خود، جنبه‌های گسترده‌ای از تمدن، سیر اندیشه، زندگی و آرمانهای مردم نواحی کشور را در گذر روزگار و تاریخ باز می‌نمایانند.

شیوه‌های گوناگون زندگی بدوی خواه دامی و کشاورزی، نمادها و قراردادهای سنتی و اجتماعی

حاکم بر روابط گله‌داری و زمین‌داری بزرگ، نوع کشت و اقطاع و تیول، نام پیشه‌ها و گروه‌های اجتماعی و کاری، ابزارهای مربوط به اقتصاد دامی قدیم و کشاورزی ابتدایی، رده‌های شغلی در اقتصاد دامی کهن، سلسه مراتب سیاسی در حکومت‌های منطقه‌ای و شاه‌نشین‌های کوچک، ابزارهای مربوط به صید، پوشش زنان و مردان، چگونگی بناها و ساختمان‌ها و مواد و ابزار ساخت آنها، ابزار جنگی، نهادهای مبادلاتی و تجاری، انواع تعاونی‌ها و گونه‌های همکاری و همیاری مردمی، نام آبادی‌ها، رودها، کوهها، مراتع، پوشش گیاهی مناطق، گیاهان دارویی، نام حیوانات، آیین‌های دینی، خرافه‌ها و تابوها، ابزار موسیقی، نام تگه‌ها و نغمات موسیقی، نام بازی‌ها، نمایشها و نیایشها، نام مراسم، جشن‌های قومی - ملی و شمار بسیاری از این دست در دل این واژگان خفته است و از راه همین زبان هویت می‌یابد.

پیچیدگی‌ها و دگرگونی‌های شگرفی که در سده گذشته، به‌ویژه در چند دهه اخیر به سبب پیدایی و گسترش رسانه‌ها در شیوه زندگی و گفتار مردم پدیدار شد، روند فروپاشی این واژگان را که به نوبه خود هر یک سندی از فرهنگ ملی محسوب می‌شوند تسریع نموده است. اینک با توجه به فقر منابع فرهنگی، اهمیت بازنگری و سرعت بخشیدن در گردآوری و ثبت صحیح گروه زبانهای ایرانی را یادآور می‌شود.

بسیاری از این واژه‌ها می‌توانند برای پژوهندگان رشته‌های زبان‌شناسی و لهجه‌شناسی، مردم‌شناسی، قوم‌نگاری و بوم‌نگاری، تاریخ تمدن و فرهنگ و هنر، اسناد گرانبهایی به شمار آیند، زیرا در بسیاری از رشته‌ها، واژگان بومی تنها نشانه بازمانده و اسناد قابل مراجعه هستند. برای همین هر یک از این واژه‌ها، دست مایه ارزنده‌ای برای پژوهشگران خواهد بود.

خوشبختانه از سالها پیش گروهی از ادبا و پژوهشگران مازندرانی توجه خود را به ثبت واژگان تبری معطوف نمودند. از این میان تعدادی از پژوهشگران اقدام به انتشار چند واژه‌نامه کرده‌اند.

نقص عمده واژه‌نامه‌های منتشر شده غیر از نکات فنی و اصول آوانویسی (فوتیک) یا ثبت علمی آن، استفاده و اتکای مطلق پدید آورندگان از داشته‌های ذهنی خود به جای تحقیقات میدانی، معرفی تعداد اندکی از واژگان و لهجه منطقه‌ای خاص با عنوان واژه‌نامه مازندرانی، نبود نظم و دسته‌بندی در روش گردآوری، ثبت لهجه‌های آمیخته و مغشوش جلگه‌ای، کم شمار بودن واژگان و شتابزدگی در انتشار، بوده است. این همه حکایت از نداشتن شیوه‌ای علمی و روشمند و نبود آگاهی کافی پدید آورندگان دارد.

متأسفانه کاستی‌های یاد شده در بیشتر فرهنگهای بومی سایر مناطق ایران نیز به چشم می‌خورد. با این همه تلاش و توجه این دسته از پژوهندگان به فرهنگ بومی و کهن قابل ستایش است و باید به عنوان نخستین رهروان کارهای پژوهشی در این زمینه سپاسگزار آنان بود. اما انتشار اینگونه آثار و وجود

کاستی‌های آشکار سبب شد تا پدید آورندگان این واژه‌نامه بر این باور دست یازند که به انجام رساندن کاری چنین سترگ در گام نخست نیاز به هم‌اندیشی و همکاری همه پژوهشگران آگاه و دوستدار منطقه دارد، تا با همفکری و ارایه روشی دانشمندانه و کاری، آنرا به گونه‌ای رساتر به انجام رسانند.

«شیوه کار پدید آورندگان»

زبان تبری که طی چند سده به عنوان زبانی غیر مکتوب و محاوره‌ای به حیات خود ادامه داده است ناگزیر به گویشها و لهجه‌های متفاوت و گاه متناقضی تقسیم شد^(۱). از این گذشته حضور تیره‌ها و طوایف مهاجر به منطقه به ویژه مناطق جلگه‌ای و آمیزش مردم بومی با مهاجران و هم‌چنین گسترده‌ی رفت و آمدهای بومیان با مردم سایر مناطق استان و کشور طی دو سده اخیر و رواج گسترده رسانه‌های گروهی متکی به زبان امروزی پاریسی و نفوذ واژگان نواحی هم‌جوار در محاورات مردم، گویش جلگه‌ها را با دگرگونی‌های آشکاری نسبت به چند دهه پیشتر همراه ساخت.

هرچند این در آمیزی و دگرگونی در گویش برخی از مناطق جلگه‌ای ضرورت گردآوری و ثبت آنها را منتفی نساخت اما گویش جلگه به عنوان تنها پایه و مبنای گردآوری و پژوهش زبان تبری فاقد اعتبار شناخته شد.

در این میان گویش نواحی کوهستانی به طور طبیعی از اصالت و سلامت بیشتری برخوردار بوده و می‌بایست پایه پژوهش و گردآوری‌ها قرار گیرد.

از این رو پژوهشگران این پدیده، با اتکا به نظر صاحب‌نظران استان و کشور و هم‌چنین با رایزنی‌های پیوسته با مراکز علمی و فرهنگی و استفاده از تجارب علمی و عملی خود، چارچوب مدونی را جهت شروع کار پی‌ریزی نمودند.

بررسی کارشناسانه در جلگه‌ها و سپس نواحی کوهستانی موجب شناسایی دوازده لهجه مختلف و تفکیک آنها به ترتیب زیر شد.

۱ - منطقه کردکوی: شامل هزار جریب شرقی، شاه‌کوه زیارت، بالا جاده، رادکان، گز شرقی و غربی و روستاهای غیر ترکمن نشین از زنگی محله گرگان و چهارده تا گلوگاه.

۲ - منطقه بهشهر: شامل چهاردانگه هزار جریب از سورتی تا کیاسر و روستاهای مناطق جلگه‌ای از

۱ - به اعتقاد پژوهشگران و زبان‌شناسان، زبان گیلکی ادامه تغییر تاریخی زبان تبری است.

گلوگاه، شاه کیله تا انتهای منطقه قره طغان و رودخانه نکارود.

۳- منطقه ساری: شامل چهاردانگه از کیاسر تا کوهستان‌های دودانگه، جلگه‌های مابین «میان دو رود» و جلگه‌های مناطق غربی تجن رود تا جویبار.

۴- منطقه قائمشهر: شامل مناطق کوهستانی فیروزکوه، سوادکوه و روستاهای جلگه‌ای حد فاصل بین کیاکلا، جویبار و روستاهای کوهپایه‌ای بیشه سر.

۵- منطقه بابل: از مناطق کوهستانی چلاو و آمل تا بندپی، امام زاده حسن در سمت غربی آلاشت و نواحی جلگه‌ای حد فاصل فریدون‌کنار، بابلسر، بهنمیر، کیاکلا تا روستاهای کوهپایه‌ای کهنه خط، گنج افروز و بابل کنار.

۶- منطقه آمل: از کوهستانهای بندپی تا چلاو، لاریجان، نمارستاق و کلارستاق آمل تا حوالی امامزاده هاشم و جلگه‌های دو سمت هراز، دشت سر و محمودآباد و کوهپایه‌ها و جلگه‌های جاده چمستان، میان آمل و نور.

۷- منطقه نور و نوشهر: شامل بخشی از روستاهای بیرون بشم، کجور، محال ثلاث و جلگه‌های حد فاصل سرخ رود تا رودخانه چالوس.

۸- چالوس و تنکابن شرقی: شامل مناطق کلار باستانی، برخی از روستاهای کوهپایه‌ای منطقه بیرون بشم و لنگا و نواحی جلگه‌ای از آب چالوس و عباس‌آباد و رودخانه نشتا به مرکزیت عباس‌آباد.

۹- تنکابن مرکزی: شامل لهجه‌های دوهزاری و سه هزاری و خرّم آبادی و گلیجانی و چالکش یعنی جلگه‌های حد فاصل آب نشتا تا آب شیرود.

۱۰- منطقه علی‌آباد کتول: شامل نواحی روستایی کوهستانی شمال شاهوار و مناطقی چون کتول، پیچک محله، محمدآباد، فاضل‌آباد و جلگه‌های غیرترکمن نشین بلوک استار آباد قدیم.

۱۱- منطقه قصران باستانی: شامل مناطق اوشان و فشم، شمشک، دیزین و گاجره و روستاهای

کوهمپایه‌های توچال تا مناطق غربی رودخانه جاجرود.

۱۲ - منطقه دماوند: شامل نواحی کوهستانی شهرستان دماوند، رودهن، بومهن، تا فیروزکوه.

در نتیجه براساس تقسیمات زبانی فوق هر یک از مناطق دوازده گانه به عنوان یک حوزه کاری انتخاب و ده گروه جداگانه تشکیل شد که هر گروه شامل یک تا سه مؤلف و سرگروه، گروه گردآورندگان، گروه همکاران و گروه گویش‌وران را در خود جای داد.

بدین ترتیب به غیر از دو منطقه دماوند و قصران^(۱) زبده‌ترین افراد مناطق ده گانه شناسایی و به عضویت هیئت پدیدآورندگان، گردآورندگان و یا گویش‌وران درآمدند. از آنجایی که هر یک از اعضای پدید آورندگان از سالها پیش سرگرم کار تحقیق و ضبط و ثبت واژگان مناطق خود بودند، با پیوستن هر یک از آنها، گروه موفق به استفاده سالها تجربه آنان و دریافت حجم قابل ملاحظه‌ای از واژگان شد. بدین ترتیب از سال ۱۳۶۹ کار برنامه‌ریزی دراز مدت ارتباطات، نشست‌های هفتگی و ماهیانه و چگونگی روند کار طی آیین‌نامه‌ای تدوین و به تمام گروهها ابلاغ شد.

به‌طور طبیعی به خاطر دشواریهای راه و عدم توانایی در انجام مسئولیت‌های محوله، برخی در میانه راه کناره گرفتند. رفته رفته گروه، توانایی خود را بازشناخت و براساس تجارب کاری اصلاحات سودمندی در طرح اولیه پدید آورد و کار به گونه‌ای جدی‌تر دنبال شد. براساس طرح نهایی، کلیه واژه‌های گردآوری شده هیئت پدید آورندگان و یا ارسالی از سوی دستانداران این واژه‌نامه، توسط ویراستاران در مرکز تحقیقات براساس نظام الفبایی دسته‌بندی و آرشیو شد. سپس بر مبنای طرح طبقه‌بندی شده هیئت پدید آورندگان به گردآوری واژگان بازمانده پرداختند و به موازات این کار، گروه مطالعات مستقر در مرکز، استخراج واژه از یک صد و نه منبع قدیم و جدید تبری را در دستور کار خود قرار داد. بدین ترتیب چند میلیون واژه گردآوری و با حذف واژگان تکراری، بدون در نظر گرفتن تعلق مکانی و منطقه‌ای، هر واژه در فیش‌های مخصوص خود وارد و به عنوان واژه پایه در دفاتر ثبت شدند. براساس این طرح، دفاتر تنظیم شده مبنای کار و برنامه دوباره محققین و پدیدآورندگان هر منطقه قرار گرفت.

یعنی براساس دفاتر پایه، مؤلفین، با استفاده از گویش‌وران متعددی که از پیش و از صنوف مختلف

۱ - با همه تلاش انجام شده، پدیدآورندگان موفق به شناسایی افراد واجد شرایط از دو منطقه دماوند و قصران نشدند لذا گروه به ثبت دو لهجه فوق توفیق نیافت. بدین وسیله از پژوهندگان مناطق یاد شده که علاقه‌مند به همکاری با واحد پژوهشهای فرهنگی این مرکز می‌باشند درخواست می‌شود طی نامه‌ای نشانی، مشخصات، میزان تحصیلات و سوابق کاری خود را به فرهنگسرای مازندران ارسال دارند تا در صورت دارا بودن شرایط، این مرکز ضمن عقد قرارداد و ازایه برنامه‌کاری هزینه‌های رفت و آمد و تحقیقات آنان را تأمین نماید.

یاد آوری

۱ - علیرغم برخی نارسایی‌های موجود در علایم آوانگاری رسمی (فونتیک) جهت ثبت لهجه‌های مختلف این واژه‌نامه، پدیدآوردندگان با توجه به رای‌زنی‌های پیوسته با مراکز زبان‌شناسی و افراد آگاه، بر آن شدند تا عیناً از فونتیک رسمی استفاده نمایند خاصه این‌که برخی از پدیدآوردندگان واژه‌نامه‌های بومی با افزودن تعداد متنابهی علایم اضافی بر فونتیک، آن‌را تحت تأثیر قرار داده و موجب آن‌چنان دگرگونی‌هایی شدند که عملاً آن‌را برای خوانندگان آثار خود غیر قابل درک نمودند. از همین‌رو پدیدآوردندگان این واژه‌نامه ضمن اتکا به فونتیک رسمی، پس از بحث و بررسی‌های مفصل، به صورت تجربی و با احتیاط تنها حرف (ē) را به عنوان صدای میانه (a = ā) و (e = l) مورد استفاده قرار دادند. این تغییر که به خاطر حضور قابل ملاحظه این مصوت در واژه‌های تبری صورت پذیرفت، تنها مورد دخل و تصرف در فونتیک رسمی است. با این حال پیشنهادهای صاحب‌نظران در این زمینه مورد استفاده هیئت مؤلفین قرار خواهد گرفت.

۲ - پدیدآوردندگان، شرایط تکرار مجدد واژگانِ ستون پایه را - در ستون مناطق - تغییر در سه حرف اول هر واژه قرار دادند، ولی گاهی نیز به تشخیص هریک از اعضاء هیئت مؤلفین، برخی از واژگان - برای تسهیل کار خوانندگان - حتی با تغییر یکی از حروف در سه حرف اول، در ردیف جدول واژگان پایه قرار گرفت.

۳ - در میان خانه‌ها، نشانه انتخاب شده پیکان (→) به معنی همانندی دقیق واژه آن خانه با خانه قبلی است، ولی در برخی از موارد مؤلفین به خاطر تسهیل کار خوانندگان اثر ترجیح داده‌اند تا به جای استفاده از نشانه فوق واژه و آوا نوشت آن‌را مجدداً ثبت نمایند. این موضوع به طور طبیعی نقصی آشکار بر وحدت روش در این بخش از کار گروه محسوب می‌شود، اما از آنجایی که هیچ‌گونه لطمه‌ای بر اصل کار وارد نمی‌سازد سرپرستان، آزادی عمل مؤلفین را در این زمینه بلامانع تشخیص دادند.

انتخاب شده بودند به ضبط هر واژه ثبت شده براساس لهجه منطقه خود پرداختند و بدین ترتیب نزدیک به ششصد و نود حلقه کاست و افزون بر دویست و پنجاه هزار واژه از مناطق مختلف ضبط گردید.

در ادامه، کار توان فرسای باز شنوی و استخراج واژگان از کاستها و ثبت در دفاتر آغاز شد و دو سال به طول انجامید. به موازات استخراج واژگان، کار همانندیابی پهلوی با واژگان تبری از دهها منبع موجود توسط تنی چند از همکاران آغاز شد. سپس آوانوشت واژگان ثبت شده به انجام رسید و مفاهیم هر واژه مورد مرور و باز نویسی دوباره قرار گرفت. آنگاه جهت آسان نمودن کار پژوهشگران، علاقه‌مندان و خوانندگان این اثر در مطابقت ریشه زبانی، یک بار همانندهای تبری در مقابل پهلوی و یک بار نیز همانندهای پهلوی در مقابل تبری درج شد؛ از این گذشته در جدول، دو منطقه علی آباد کتول و تنکابن مرکزی به عنوان شرقی‌ترین و غربی‌ترین حوزه این گویش در کنار هم قرار گرفتند تا علاقه‌مندان به آسانی، اندازه تغییر و چگونگی دگرگونی زبان تبری را در غربی‌ترین و شرقی‌ترین بخش‌های سرزمین کنونی دریابند.

بدین وسیله بیشتر واژگان پایه هفت جلد این اثر آماده و دسته‌بندی شد. از مجموع این اثر هفت جلدی چهار جلد آن در دستور تصحیح جهت انتشار قرار گرفت. این فرهنگ علاوه بر مساعی شبانه‌روزی گروه پدید آورندگان، محصول همکاری و همت والای دهها تن از دوستان و یاران شناخته و ناشناخته است که بی‌تردید بدون یاری آنان انجام چنین کاری بزرگ میسر نبود.

همکاری این دوستان فرهیخته، جنبه‌های گوناگونی داشته است. برخی از آنها با کمک‌های بی‌دریغ مالی و یا تدارکاتی در این کار، تحمل هزینه سنگین این طرح را آسانتر نمودند.

برخی دیگر با راهنمایی‌های ارزنده و یا معرفی و در اختیار گذاردن منابع تبری و یا ارسال واژه‌هایی بکر و اصیل ما را یاری دادند. گروهی از دوستان با در اختیار گذاشتن وسیله نقلیه و امکاناتی تدارکاتی، معرفی مناطق، تهیه محل اسکان برای گروهها و افراد پژوهشگر و یا معرفی گویش‌وران و آگاهان و جلب همکاری آنان به نفع پدید آورندگان این اثر، علاقه و همدلی خود را نسبت به فرهنگ منطقه ابراز داشته‌اند. از همین رو جلد نخست این اثر را به یکایک آنان و همه ادب دوستان این مرز و بوم تقدیم می‌داریم. ■

۴- خالی بودن برخی از خانه‌ها به معنی عدم وجود واژه مورد نظر در آن منطقه نیست. طبیعی است که گروه گردآورندگان، گویشوران و مؤلفین منطقه دارای خانه خالی، موفق به کشف همانند واژه پایه در حوزه کار خود نشده‌اند.

۵- در میان روستاهای موجود در منطقه تنها نام آن دسته از روستاها جهت ثبت در واژه‌نامه انتخاب شد که نام آنها در درجه اول دارای ریشه تبری بوده و برخی از ملاحظات مانند جنبه‌های تاریخی نیز جهت ثبت آنها لحاظ شده است. بر همین اساس بخش قابل ملاحظه‌ای از روستاها مانند، حسن آباد، تقی آباد، فاضل آباد، تازه آباد و نوآباد که فاقد ارزش‌های زبانی مورد نظر هیئت مؤلفین بوده‌اند مورد استفاده قرار نگرفتند. در توصیف و معرفی نام روستاها نیز از ثبت طول و عرض جغرافیایی، خصوصیات اقلیمی خودداری شده و تنها به تعلق مکانی آنها به شهرها و یا دهستان‌های مربوطه اشاره گردیده است، چراکه موقعیت کلیه روستاهای استان مازندران با طول و عرض جغرافیایی و برخی از ویژگیهای دیگر در کتاب نسبتاً جامعی که در سال ۱۳۶۵ از سوی سازمان برنامه و بودجه استان مازندران با نام «آبادی‌های استان مازندران» تدوین گردید، ثبت شده است؛ به همین خاطر از دوباره کاری پرهیز گردید. علاقمندان می‌توانند با مراجعه به سازمان فوق و دریافت کتاب مذکور اطلاعات یاد شده را در مورد کلیه آبادی‌های استان کسب نمایند.

۶- پدید آوردندگان تلاش نمودند از ثبت همه واژه‌هایی که در اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی جدید به زبان تبری وارد گردیدند پرهیز نمایند.

۷- پدید آوردندگان واقفند که بسیاری از واژگان عربی، روسی، فرانسوی، انگلیسی، ترکی و ترکمنی از چند قرن پیش و یا حداقل چند دهه پیشتر وارد زبان تبری شده‌اند. برخی از این واژگان با پذیرش تغییراتی در ساختمان و آهنگ خود و برخی دیگر، تنها با تغییراتی در آهنگ به مجموعه واژگان تبری پیوسته و پس از سالها استفاده توسط بومیان، از سوی آنها واژه‌هایی خودی قلمداد می‌شوند. بسیاری از این واژگان از نظر مفهومی مغایر با معانی زبان اصلی خود به کار می‌روند و برخی از آنها نیز با واژگان تبری تلفیق شده‌اند. کلماتی چون، آتق، انقوت، قوش، ظلوم، شاکل، لاکمه، سمیشکه، ماتشکه، بُت، اورس، اورسی، دوج، ترکمون، ترکمون‌ریش، بشلق، بکره و صدها واژه دیگر که ریشه در زبان‌های بیگانه دارند از آن جمله‌اند. حساسیت و اهمیت موضوع سبب شد تا پدید آوردندگان به ریشه‌یابی و تبیین این دسته از واژگان همت گمارند. لذا بخشی از «ضمایم» واژه‌نامه به این موضوع خواهد پرداخت.

۸- به خاطر ویژگی‌های این واژه‌نامه و محدودیت در خانه‌هایی که برای تعریف مفهوم واژه‌نامه در نظر گرفته شد، معانی واژه‌ها با فشردگی و به اختصار درج شده است. این موضوع سبب شد تا در برخی موارد، مفهوم واژه‌ها شیوا و رسا نباشد. از همین رو بخش دیگری از «ضمایم» به توضیح و تفصیل پیرامون تعدادی از این دست واژه‌ها اختصاص یافته است.

۹- باید توجه نمود که مفاهیم ارایه شده در درجه اول اختصاص به واژه پایه دارد. از همین رو معنی تعدادی از واژه‌ها که مربوط به لهجه مناطق هستند، با مفهوم ثبت شده منطبق نیست. همچنین ملاحظه می‌شود که تعدادی از این دسته واژگان با واژگان پایه همانند و برخی دیگر ناهمانندند، اما هر دو گروه از واژگان فوق از نظر معنی با واژگان پایه مغایرند. مؤلفین در عدم ثبت و یا ثبت آنها در خانه‌های مقابل، راه دوم را انتخاب نمودند و به ثبت آنها پرداختند.

به طور طبیعی واژه‌های ناهمانند در جلدهای بعدی طبق نظام الفبایی در جای خود آورده می‌شوند و مفاهیم اصلی آنها نیز ثبت خواهد شد و آن دسته از واژگان نیز که تنها از نظر مفهوم با واژه پایه اختلاف دارند معانی آنها نیز به صورت معنی دوم، سوم و... درج شده است. حضور واضح تر واژگان یک یا دو منطقه (مثل کردکوی و بهشهر) در واژه پایه تنها به دلیل پر تعداد بودن فیش‌های ارسالی از سوی گرد آورندگان این مناطق است. این موضوع ممکن است در جلدهای مختلف واژه‌نامه با توجه به تعداد بیشتر فیش پایه از مناطق دیگر به نفع دیگر مناطق تغییر یابد.

۱۰- هدف از ثبت تعدادی از همانندهای پهلوی در زبان تبری، به خاطر تسهیل کار پژوهشگران، دانشجویان و علاقه‌مندان در تطبیق این دو زبان و ریشه‌های مشترک آنها بوده است.

۱۱- علیرغم اینکه در واژه‌های ارجاعی نیاز به ثبت مجدد لهجه‌های منطقه‌ای نبوده است. ولی برخی از مؤلفین واژه‌نامه به خاطر اینکه کار تطبیق خوانندگان اثر در کلیه صفحات واژه‌نامه به آسانی صورت پذیرد، درج دوباره لهجه منطقه خود را در مقابل واژه ارجاعی، مفید دانسته‌اند. از آنجایی که این موضوع لطمه‌ای به اساس کار وارد نمی‌سازد سرپرستان آزادی عمل مؤلفین را در این زمینه بلا مانع تشخیص دادند.

۱۲- به هنگام تدوین جلد اول و دوم این واژه‌نامه، گرد آورندگان مناطق به ارسال فیش‌هایی پرداختند که بعضاً دارای واژگان نو یافته بود. لذا پدید آورندگان تصمیم گرفتند تا با افزودن دو جلد ضمیمه‌نامه، بر این واژه‌نامه به ثبت واژه‌های نو یافته پردازند. این دو جلد ضمیمه نامه یکی پس از تدوین جلد سوم

و دومین ضمیمه نامه پس از تدوین جلد هفتم انتشار خواهد یافت. بخشهای متفاوت این ضمیمه نامه‌ها علاوه بر ثبت واژگان به‌جا مانده به توضیح بیشتر در مورد مفاهیم برخی از واژه‌ها، ثبت طرحها و تصاویر اختصاصی واژه‌نامه بزرگ تبری، نام علمی پرندگان، جانوران، ماهیان و گونه‌های گیاهی منطقه، و همچنین بر طرف ساختن اشکالات و نواقص کار جلدهای منتشر شده خواهد پرداخت از همین رو رایه انتقاد و پیشنهاد از سوی صاحب نظران، آگاهان و علاقه‌مندان ضمیمه یاد شده را پربارتر می‌کند و در رفع نواقص موجود مفید واقع خواهد شد. ■

حروف و نشانه‌های فونتیک مورد استفاده در واژه‌نامه بزرگ تبری و تطبیق آن با الفبای فارسی

z	ز + ذ + ض + ظ	a	آ + ا + ع (فتحه بلند)
r	ر	ē	ا + - + ε + نه + عه (فتحه کوتاه) *
z̄	ژ	e	ا + - + ε
š	ش	o	ا + - + ؤ
f	ف	ā	آ + ا + عا
q	ق + غ	u	او + و + عو بر وزن قو (نام پرنده)
k	ک	i	ای + ی + ی + ای + عی + یی (ئی) + عی
g	گ	b	ب
l	ل	p	پ
m	م	t	ت + ط
n	ن	s	س + ث + ص
v	و	j	ج
y	ی	ē	چ
ow	او بر وزن مو mow به معنای تاک	h	ح + ه + ه + ه
aw	او	x	خ
		d	د

حرف مشدد دوبار نوشته می‌شود مانند: **bakkā**

* سال‌ها پیش تعدادی از پژوهشگران بومی بر تفاوت صوتی مورد اشاره آگاهی یافتند و در آثارشان با نشانه‌های دیگری کشش

در گذشته برخی از اصوات که از نظر تلفظ تمایل به فتحه داشته‌اند با کسره نشان داده می‌شدند. از همین رو مؤلفین اثر، علامتی را با عنوان فتحه کوتاه (ē) انتخاب نمودند که در واقع تفاوت بین کشش‌های صوتی آن با کسره (e) کاملاً مشخص شود. در این رابطه به دو مورد زیر اشاره می‌شود:

S[a]	س (سه) از اصوات تعجب . فتحه بلند	P[a]r	پَر به معنای پَر پرنده . فتحه بلند
S[ē]	س (سه) به معنای عدد سه . فتحه کوتاه	P[ē]r	پَر به معنای پُر و لبریز . فتحه کوتاه
S[e]	س (سه) به معنای سیب . کسره	P[e]r	پَر به معنای پدر ، بابا . کسره

نشانه‌های دستوری (اختصاری)

قید	ق	اسم مرکب	ا. مر
فعل	ف	اسم صوت	ا. صو
فعل امر	ف.ا	اسم مکان	ا. مک
قید مکان و جهت	ق. مک. ج	در معنی	در
قید جهت	ج	قید تصدیق	ق. تص
صفت	ص	صوت تنفر	صو. تن
صفت مرکب	ص. مر	مصدر	مص
صفت نسبی	ص. نسب	مصدر مرتخم	مص. مرخ
صفت و اسم	ص/ا	مرتخم	مرخ
صفت اشاره	ص. اش	قید نوبت	ق. نو
صفت مرکب فاعلی	ص. مر. فا	قید مکان	ق. مک
حاصل مصدر	حا. مص	قید زمان	ق. ز
عامل مصدر	ع	صفت مفعولی	ص. مف
قید تشابه	ق. تش	صفت شمارشی	ص. ش
قید حالت	ق. حا	اتباع	ات
متّم	متّم	اسم آلت (ابزار)	ا. آ
مشتق	مش	اسم مصدر	ا. مص
		قید روش	ق. ر

www.tabaristan.info
تبرستان

www.tabarestan.info
تبرستان

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کنترل	برگردان فارسی
آ	→	→	→	→	→	→	→	→	→	→	علامت جمع مانند: آدم + ا = آدما
آباد ābād	-	آباد obād	→	→	→	→	→	آباد abad	→	→	آباد - آبادان (ص)
آبادی ābādi	→	آبادی obādi	→	→	→	→	آبادی ābādi	→	→	→	(حامص - ا) روستا - ده - آبادی
آبان روز ābānruz	→	→	→	→	→	→	اونه روز unēruz	آبان روز ābānruz	→	→	(ا. مر) نام یکی از روزهای مازندرانی
آب تخت ābtaxt	آب تخت otaxt	→	→	آب تخت ābtaxt	→	→	آب تخت utaxt	آب تخت utaxt	→	→	(ص - مف) ۱) به آب بستن یا آبتخت کردن ۲) زمین آماده برای نشای برنج ۳-تخت چوبی برای چیدن ظروف
آب تشنی ābtašni	آب تشنی otašni	→	→	آب تشنی otašni	→	→	آب تشنی ābtašni	→	→	→	(ا. مر) یسلوه - پسرنده سرریع پرواز کنار رودخانه چنگر نوک سرخ
آبجی ābji	آبجی bāji	→	→	→	→	→	→	→	→	→	(ا) خواهر
آبجی تارم ābji tārem	→	→	→	→	→	→	→	→	→	→	(ا. مر) از گونه های مرغوب برنج خزری
آبچک ābček	آبچک oček	→	→	آبچک ābček	→	→	→	→	→	→	(ا. مر) ۱) قطراتی که از سقف بچکد. ۲) آن قسمت از سطح زمین که آب نازدان بر آن ریزد. ۳) مرز بین دو خانه
آبچین ābčīn	آبچین očīn	→	→	آبچین ābčīn	→	→	→	→	→	→	(ا. مر) نایلون، کیسه پلاستیکی، زوروق

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	بزرگردان فارسی	
آبدغ ābdoq	→ دو du	→ دو du	→	→ ادو odu	دو du آبدغ ābdoq	→ آبدغ ābdoq	ادو odu	اودو u - du	آب دو āb - du دوغ ا duq - o	آبدغ ābedoq	(۱ . مر) دوغ - آبدغ	
آب دل نی ābdēlni	→ چن čeq	→ چن čeq	→ اونی u - ney	چن čeq لله چن lalēčeq	اونی unay	اودله نی udēlēney	ادله ی نی odēlaye nēy	اودله ن udēlēne	آب دل نی ābdēlnēy		(۱ . مر) (۱) نی (۲) نی که داخل آب روید (کنایه از افراد لاغر)	
آب دنگسر ābdange sar	→ ادنگسر odange sar	→ ادنگسر odange sar	→	→ ادنگسر udange sar ادنگیسر udangi sar	→ ادنگسر udanges ar	→	ادنگسر odangesar	→		سردنگ saredang	(۱ . مک) (۱) روستایی در قائم شهر (۲) محل آبدنگ (۳) روستایی از دهستان دابوی جنوبی آمل	
آبرا āberā	→ ایرار abērār ایرار ebērār	→	→	→ آبرا āberā	→ آبراز ābērār	→ آبراز ābērār	آی برابر āyberār	ای برابر ayberār	→ ای برر ayberar	→	(شبه جمله) (۱) ای برادر (۲) از اصوات در مقام تعجب و یا افسوس	
آبرودار ābrudār	→	→	→	→	→	→	→	→	→	→	(ص . مر ، فا) با آبرو	
آبس ābes	→ آبستن ābestēn آوستن āvestēn است ost	→ آوستن āvestēn	→	→ آبسن ābessēn آوسن avessen اوس us	→ آوسن āvessēn	→ اومید umid اوس us آبستن ābestān	→ اوس us آبسن ābes آبستن ābestān	→ آبسن ābessēn آبسن ābessān	→ آبسن ābessēn آبسن ābessān	→ آبستن ābestān	استن oastan است oast	(ص) باردار - حامله معنی کنایی کم تحرك
آبستن ābestēn	→										نگا : آبس	
آبسرفت ābsaroft						→					(۱ . مک) از دهستان هزاری آمل	
آبسکون ābeskun	→										(۱) جزیره ای تاریخی در جنوب شرقی دریای مازندران که در آب فرو رفته است .	

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	برگردان فارسی
آبشله ābsele	→	→	اناراو enār - u	اناراو enār - u	انارو ēnāro	→	انارتوشی anārtērši	اناراو anār - u		انارتوشی enārtērši	(۱) شریتی با رب انار، افشره
آب شله ābsele	پچه peče	→	پچه peče	تلاچی talāji						آب شله ābsele	(۱. مر) قسمت خلفی ساق پا
آبکسر āboksar			→								(۱. مک) دهکده ای از دهستان بندرج و مذکوره ساری
آبکش ābkaš	اگیز ogiz چل سوزن čelsuzēn	→	صافی sāfi	→	→	→	→	اوکش u - kaš	→	چلوصافی čelo - sāfi اکش okaš چیق čiq	(۱. آ) آبکش برنج - صافی
آب کناری ābkenāri					→	آب کناری āb kenāri	→	→	→		(ص نسب) ۱) نوعی برنج خری ۲) مجموعه ای از مقامات سازی غرب مازندران برگرفته از آب کناری گیلان
آبکوله سر āb kulē- sar									→		(۱. مک) روستایی از دهستان خرم آباد تنکابن
آبگردون ābgērd un	آبگردان ābgērdān	کترا kētrā ابگردون ābgērdun	آبگردون ābgērdun اوگردون u-gerdun	کترا kēttērā	→	کترا kētrā آبگردون ābgērdun	→	اوگردون ugardon	کترا katrā اوگردان owgēr dān	اگردان ogērdān	(۱. آ) ملاقه بزرگ
آبلاره ābelārē	آبلارم ābelārēm	→ آبلاره ābelārē	بلاره belāre → آبلاره ābelārē	آبلارم ābelārēm ت بلاره te-belārē ت قریون teqērbun	آبلاره ābelārē	آبلارم ābelārēm ت بلاره te-belārē ت قریون te-qērbun	آبمیرم ābamiram	ته قرین te-gorbon	قریمیرم tēr- bamirom	آبرارم āberārēm	(ش. ج) به قربانت شوم - فدایت شوم

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	برگردان فارسی
آبلو āblu		→									(۱. مک) دهکده ای از دهستان قسره طفان بهشهر
آبندون ābēndun	اوندان ovandān نر nor	آبندون ābēndun	آبندون ābēndun	آبندون ābēndun	آبندون ābēndun	آبندون ābēndun	آبندون ābandun ان onnēn	اسل asal	گنو gano گنا genā آب لم āblam	نر nor	(۱. مر) آب بندان
آبندون سر ābēndun sar			→	→							(۱. مک) دهکده ای از دهستان میاندرود ساری (۲) روستایی در قائم شهر
آبندون کش ābēndun kaš			→								(۱. مر) دهکده ای از دهستان میاندرود ساری
آبندون ننوس ābandun nēnus											(۱. مک) دهکده ای از دهستان بندپی بابل
آبنوس ābenus	اچلیک oçēllik اچکان opētēkān	آب نوس ābenus چفته çafte	شیر šir	اوجلیک uçēllik اوجم جم ojēm jēm	اوتر utēr اوترتر utērtēr	اوتر utēr اوترتر utērtēr	اوتر utēr اوترتر utērtēr	اوتر uter	آب نوس ābenus چفته çafte	اچلیک oçēllik اچکان opētēkān	(ص) (۱) چیزی که بسیار خیس است و آب از آن می چکد. (۲) به تحقیر به آدم شل و ول گویند (۳) نوعی چوب که مصرف صنعتی دارد
آبو ābu											نگا : ۱
آبوند ābund				→							(۱. مک) روستایی در قائم شهر
آپون āpun				→							(۱. مک) منطقه ای در آلاشت قائمشهر
آتشخانه ātešxānē	تش خانه tašxānē	آتش خانه ātašxānē	آتش خانه ātešxānē	آتش خانه ātešxānē	تشخانه tašxānē	تشخانه tašxānē	تشخانه tašxānē	آتش خانه ātešxānē	آتش خانه ātašxānē	تشخانه tašxānē	(۱. مک) (۱) آتشدان سماور (۲) محلی برای خشک کردن برگهای توتون (۳) گلخن حمام

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	برگردان فارسی
آتشک ātesek	→	کت koft	→	→	→	کفت keft آتشک ātesek	کوفت kuft	آتشک ātesak کوفت kuft	کوفت kuft	سفلیس (۱)	
آتش کش ātaš kaš	تاش کش taš kaš ارسین arsin	→	آتش کش ātes kaš	→	→	→ آتش کش ātes kaš خاکناز xākēnnāz	تاش کش taš kaš	→	کلشر kalešer	کلشر kalešer	(۱. آ) خاک انداز فزوی یا چوبی که در هم زدن و جابجایی آتش بکار می رود .
آتش کله ātes kēle	تاش کله taš kēle کله kēle	→ کله kele	→	→	کله kalē	→ کله kēle	تاش کله taš kalē کله kalē	→ کله چال kalēcāl	→	کله kalē	(۱. مر) اجاق گلی با سوخت هیزم
آتشی āteši	کندوک konduk	→	اوجا ujā	تاش لگن taš-lagēn	→	→	→	آتشی āteši	آدشی ādsi آتشی āteši	آتیش لگن ātiš lagan	(۱) ظرفی بزرگ و مسین که جهت گرم داشتن آب پوسته در کنار آتش قرار دهند .
آتشی āteši	→	→	آتشی āteši تاشکی tašeki	→	آتشی ātaši	→ آتشی āteši	→	آتشی āteši	→ آتشی مزاج āteši - mezāj	آتیشی ātisi	(ص) ۱) افراد عصبی
آتنی ātni	→	→	→	→	→	→	→	→	→	→	(. مک) روستایی از چهاردانگه ساری
آتیش ātiš	تاش taš	→	→	→	→	→	تاش taš	→	→ آتش āteš	آتیش ātiš	(۱) آتش
آج āj	→	اج oj	تریک terik	→	آجه acce	آج āj	→	آج āj	لاب lāb	→	(۱) نوعی قارچ (۲) پوست کندن گسردو ، انار ، پرتقال
آجنگ ājeng	→	→	→	→	گرچینگ gerjing گلچینگ geljing	→	→	→	→	→	(۱) سرشاخه های درهم پیچیده درختان. مجعد

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کنترل	برگردان فارسی
آجیر ājir	→	→	→ مخبر moxber	بیشار bisār ویشار visār	→	آجیر ājir	→ اجیر ajir		بیدار bidār	آجیر ājir	(ص) حواس جمع - آگاه - متوجه - بهوش آمده
آجیریوین ājir baviyēn	→	→	→	بیشار بیین bisār- bayyēn ویشارییین visār- bayyēn	→	آجیرییین ājir- bayyan ویشارییین visār baiyan	آجیریوین ajir-bavian	آجیرییین ājir- babeyan	بیدار بوین bidār boēn	آجیرشدن ājir - sedan	(مص . مر) متوجه شدن - هوشیارشدن - به هوش آمدن
آجیش ājis	رشه raše	آجوش ājuš	رشه raše	آجیش ājis	→	→	→	→	آجیش ājis	آجیش ājis	(ا) لرز ناشی از تب
آخ āx	→	→	→	→	→	→	→	آخ ox	→	آخ āx ای oy	از اصوات که به هنگام درد و ترحم بکار برند .
آخ آخ āxāx	→	→	→	→	→	→	→	→	→	آخ آخ āx-āx آخ آخ ox ox	(ا . صو) از اصوات در مقام افسوس
آخا āxā						→					(ا . مك) دهکده ای از دهستان پالا لاریجان آمل
آخازیر āxāzir						→					(ا . مك) دهکده ای از دهستان پالا لاریجان آمل
آخِر āxēr	→	اخار oxār	→	اوخار uxār → آخِر āxēr	→	اوخار uxār	→ آخِر āxēr	→ آخِر āxēr	→ پلوکا palukā	آخِر āxēr	(ا . مك) آخِر
آخِر āxēr	→ اخِر سر āxēr sar	→ دس آخِر das-āxēr سرآخِر sarāxēr	→	→ آخِر سر āxēr sari	→	→ آخِر سر āxērsar دس آخِر dassāxēr سرآخِر sarāxēr	→ آخِر āxēr	→ آخِر āxēr	→ سر آخِر sarāxēr	→ سرآخِر sarāxar	(ق) پایان - انجام سرانجام

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	برگردان فارسی
آخرد āxērd			→								(۱ . مك) دهكده ای از دهستان سهاره‌انگه سورتچی ساری
آخسر āxērsar		→	→								(۱ . مك / ق) دهكده ای از دهستان شهر خواست نگا : آخر
آخسری āxērsari											(ق) نگا : آخر
آخش āxeš	→ آخیش āxis	→ آکه ākke آکش ākkes	→ →	→ آخک āxek آخش āxxes آکه ākke	→ آخش āxeš	→ آخش āxeš آخیش āxis	→ آخیش āxeyš	→	→ آخش āxoš آخی āxey	→ آخی āxey	(۱ . صو) وه چه خوب، در مقام خوشحالی
آخوند āxund	→ ملا mollā	→ ملا mellā	→ →	→ شخ šex →	→ ملا mellā	→ ملا mellā شخ šex آخون āxun	→ آخون āxun	→	→ آخن āxon ملا mollā	→ آخند āxoend	(۱) شیخ - آخوند - روضه خوان
آخوندک āxundek	→ گودم ورین godēm vērīn	→ ملق mallēq	→ توبند tuband	→ ملاچه mellā vačē	→ توبن tuban	→ تورزن tur - zan	→	→ ت دونک todave nak			(۱) نوعی ملخ
آدم ādēm	→	→	→	→	→	→ مزیر mēzzir	→	→ آدم ādem	→ آدم ādom آدم ādem	→ آدم ādem	(۱) (۱) انسان (۲) گماشته - مزدور - نوکر
آدم آبی ādēm ābi			→	→	→		→	→ آدم آبی ādēmābi			(۱) پری دریایی (۲) نوعی ناسزا برای افراد دیرفهم
آدم نمونا ādēm- nēmunā	اونان unān چند پری jēnde pari	اونان unān آدم نمون ādēm- nemun	→ آدم نمونا ādēm- namunā اونانی unāni	→ اونانی uhāni	→ آدم نمونا ādēm- nēmunā اونانی unāni اروانی uhāni	→ آدم نمونا ādēm- namunā	→ آدم نمونا ādēm- namunā	→ آدم نمونا ādēm- namonā	→ آدم نمونی ādēm- nēmūni	→ آدم نمونی ādēm- nēmūni	(ص. مر. بجای اسم) (۱) اجنه (۲) کنایه از انسان بدقیافه (۳) وارونه کار (۴) کنایه از افسردگی که رفتاری غیرمتعارف دارند

واژه پایه	منطقه کردکوی	منطقه بهشهر	منطقه ساری	منطقه قائمشهر	منطقه بابل	منطقه آمل	منطقه نور، کجور، نوشهر	منطقه عباس آباد	منطقه تنکابن	منطقه کتول	برگردان فارسی
آذق āzēq	→ آذقه āzēqē	→ →	→ →	آذقه āzēqē آذقه āzqē	→	آذقه āzēqē	آذقه āzēqē	ارزاق ar zāq	→ آذقه āzēqē	آذقه āzēqē	(۱) آذوقه - خرج خوراکی
آرا ārā	→ خارهاکردن xār- hēkordēn	خوجیر xujir	درس dērēs	خارک xārek خجیر xejir	خجیر xējir	درس dērēs آرا ārā خجیر xajir	خار xār درس dērēs	درس doros	خوجیر xujir	خوجیر xoējir	(۱) آرایش (۲) درست (۳) نیکو (۴) زیبا
آراکردن ārā- kārdēn	→ خارهاکردن xār- hēkardēn	رج هاکردن rač- hakardēn	درس هاکردن doros hākordēn	بساتن bēsātēn خارهاکردن xār- hākardēn	خارهاکردن xār- hakardēn بترازنین betrāzēni yēn	→ درس هاکردن dērēs hākērdan	خارهاکردن xār- hākērdan	درس هاکردن doros hākordēn	رج هاکردن rač- hakardēn	درس هاکردن dērēs hākoērdēn	(مص . مر) آرایش کردن
آرام ārām	→ آرم ārom کرس kērēs	کرس kores کلام kolām	→	کرس kērēs	→ → →	→ کلم kēlum کرس kērēs	کرس kērēs	→	کرس kores	آرام ārām کرس kērēs کرو karu چفت čaft	(۱) آرام (۲) آسودگی گوسفندان - آغل بره - ۲ - آهسته
آداش ādās	داداش dādas برار bērār	→	اداش adās	→	اداش adas	دش dās داداش dādas	→	اداش adās	→	→	(۱) داداش، برادر
آراویرا ārā virā	→ آینه oāynē	رج rač	درس هاکردن doros hākordan →	آوآینه هاکردن u-āyēnē hākērdan بترازنین betrāzēni yēn	بترازین betrā ziyēn بترازنین betrāzēni yēn	آوآینه هاکردن u-āyēnē hākērdan درس هاکردن dērēs hākērdan خارهاکردن xār- hākērdan	بترازنین betrāzēni yēn خار هاکردن xār hākērdēn درس هاکردن dērēs hākērdan	درس هاکردن doros hākordan →	رج rač	درس هاکردن dērēs hākoērdēn	(مص . مر) آرایش (۲) آراستن
آرت ārt	آرد ārd	→	→	→	→	آرد ārd	آرد ārd	→	→	آرد ārd	(۱) آرد